

در این شماره:
تقریر انقلاب در آئینه سوره فتح
«جهان بهلوان» تختی، قهرمانی.....
گزارشی از سیستان و بلوچستان
دخالت نظامی شوروی در افغانستان

ام

مَلَائِكَةُ جَبَلًا كَلِمَةً وَسَطًا لِنُكُونُوا سِدْرًا عَلِيًّا لِلنَّاسِ وَكُنُوزًا لِرَسُولٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

شما ای جنبش‌های آزادیبخش، و ای گروه‌های در خط بدست آوردن استقلال و آزادی بپاخیزید و ملت‌های خود و ملت اسلامی را هشدار دهید که زیر بار ستم رفتن بدتر و فجیع‌تر از ستمکاری است
امام خمینی

چهارشنبه ۱۹ دی ۱۳۵۸

سال اول شماره ۳۹

بها ۱۵ ریال

ویژگیهای رئیس جمهوری اسلامی ایران چیست؟

● نیازی نبود تحت شرایط حساس کنونی و با وجود بسیاری مسایل حل نشده، با عجله و پیش از آنکه شرایط یک انتخاب موفق فراهم شود، وارد مرحله مبارزات انتخاباتی رئیس جمهوری و مجلس شورای ملی بشویم.

قبل از انتخاب از داوطلبان بخواهید بگویند که هستند و چه می‌خواهند بکنند.

امت و امام والدعایم را طرد می‌کنند اما شعورای انقلاب وی را در جلسه خود می‌پذیرند. خلق و ارواح شهیدان اجازه ندادند والدعایم تربت پاکشان را ملوث کنند.

اقدامات همه‌جانبه محافل امپریالیستی برای مقابله با مبارزه و مقاومت ملت ایران و به‌سازش کشاندن و خاتمه دادن به مبارزه ضد امپریالیستی کنونی، با شدت و وسعت، تمام ادامه دارد علیرغم تشدیدها و فشارها سیاست صلح و سازش هم‌چنان در رأس برنامه‌های امپریالیست‌هاست این سیاست تازه نیست - همان روزهای انقلاب که امپریالیست‌ها از حفظ شاه مأیوس شدند و سران کشورهای بزرگ امپریالیستی در گوادالوپ اجتماع کردند، به‌استکار فرانسه اتخاذ گردید.

فرانسه یکی از کشورهای امپریالیستی اروپائی سیاست اعمال زور و خشنوت را رد کردند و طریق

سازش و همکاری را برای تسلط بر ایران و انقلاب اسلامی پیشنهاد و به‌تصویب رساندند شاید از همانروز رهبری این سیاست به‌فرانسه سپرده شد اگرچه ظاهر امر چنین چیزی نشان نمی‌داد. کنفرانس گوادالوپ برای پیشبرد مقاصد خود به‌محافل لیبرالیستی و مرتجع و به‌سازشکاران و نیروهای میانه‌رو و چشم امید دوختند و برای حمایت از آنان قرار شد از هیچ تلاشی فروگذار نکرده از دست زدن به اقداماتی که مسووعیت میانه‌روها و لیبرال‌ها را مستزل سازد خودداری کنند.

تسلط این عوامل بر تمام مراکز تصمیم‌گیری و اجرائی و دنبال کردن یک سیاست ضد انقلابی بیش از پیش امپریالیست‌ها را امیدوار و خونخوار می‌ساخت، تنها نگرانی آنها از نیروهای پیشرو و انقلابی مسلمان و امام خمینی بود که برای این سیاست خطر عمده‌ای محسوب می‌شدند.

تحریک عوامل امپریالیست
بقیه در صفحه ۲

مباحث ایدئولوژیک ۲۶ تضاد بین فزون خواهی و احتیاج واقعی

● ضرورت مبارزه با کتز برای این نیست که جلوی تجمع ثروت حرام گرفته شود، زیرا بعضی چنین تصور کرده‌اند که تحریم کتز و انباشتن ثروت مربوط به مال حرام است.

چیره شود بر دلها، همان (آتش) که ایشان را فرو گیرد در ستونهای (برافراشته) و کشیده.

ضرورت مبارزه با کتز

ضرورت مبارزه با کتز برای این نیست که جلوی تجمع ثروت حرام گرفته شود، زیرا بعضی چنین تصور کرده‌اند که تحریم کتز و انباشتن ثروت مربوط به مال حرام است و لذا معتقدند اگر کسی مال حلال بدست آورد و حق شرعی را هم برسد، از آن پس هر اندازه پول و مال ذخیره کند اشکالی ندارد. این استدلال تازه نیست، بلکه همانست که ابوهریره در مجلس خلیفه سوم در برابر اعتراضات شدید ابوبکر ارائه داد. ابوبکر، صحابی انقلابی و آزاده و ضداستعمار پیامبر وقتی به‌مجلس خلیفه احضار گردید تا بسخاطر تسلیفات و کوششهای روشنگرانسان بازخواست شود، بولی انباشته جلوی خلیفه دید و پیش از آنکه فرصت دهد او را بپزیر سوال و بازخواست بکنند، سوال کرد این پول از آن کیست؟ اگر متعلق به بیت‌المال است چرا تا کنون آنرا توزیع نکرده‌ای، مگر بیاد نداری رسول خدا یکتب تا صحیح نخواهد زیرا تنها هفت درهم از پول بیت‌المال نزد او باقی مانده بود و اگر متعلق به خودت هست که گناه بزرگتری مرتکب شده‌ای، مگر در قرآن نشنیده‌ای که می‌گوید «الذین یکتزون الذهب والفضه...؟» خلیفه خشمگین رو به‌ابوهریره سوال کرد آیا اگر کسی زکوة مال خود را داده باشد، باز هم مسئولیت دارد؟ وی جواب داد من از پیامبر شنیدم که فرمود اگر زکوة سال را بدهی عیبی بقیه در صفحه ۶

گردهمائی جنبش‌های آزادیبخش در تهران



دعوت دانشجویان مسلمان مستقر در لانه جاسوسی امریکا از جنبش‌های آزادیبخش برای یک گردهمائی در تهران، باسخ به‌پیام رهبر انقلاب، امام خمینی است، که بارها خواهان جبهه واحد مستضعفین بپاخاسته، در مقابل مستکبرین شده‌اند. این حرکت مبارزاتی دانشجویان در جهت بخشی مبارزات ضد امپریالیستی خلقها و همبستگی آنان بسیار مؤثر خواهد بود، و بسیار دیگر مساهبت اصیل انقلاب اسلامی ایران را به‌همه جهانیان مینمایاند که انقلاب اسلامی ما تنها در مرز ایران محدود نیست و نخواهد شد، بلکه انقلاب اسلامی ایران بقیه در صفحه ۳

ضرورت تحول بنیادی در نظام پولی

و حذف واقعی بهره از نظام بانکی

طراحان سیاست جدید پولی کشور بداشتی قشری از اصول قرآنی تحریم ربا دارند و اثرات سطح موضوعی ذهنی تقلیل میدهد

از یک طرف توده‌ها پولهای اندک خود را به بانک می‌سپارند، و از طرف دیگر، بانک، انباشت چند میلیونی این پولها را در راه رباخواری بکار می‌اندازد. بدین ترتیب که سرمایه‌گذاران بزرگ با اخذ وام و بکار انداختن آن در رشته‌های مختلف تولیدی بعد از کسب سودهای کلان، درصدی از آن را بعنوان بهره (و بنا به اصطلاح طراحان سیاست جدید پولی، سود تضمین شده...)، به‌همراه اصل پول، به بانک مسترد می‌دارند بانک بعنوان نماینده جناح مالی سرمایه‌داری، درصدی از این بهره را تصاحب می‌کند و درصدی را بعنوان بهره (سود تضمین شده فعلی) به توده‌های پسان‌اندازکننده می‌دهد. این مکانیسم، بعنوان یکی از چهره‌های کثیف سرمایه‌داری، از یک سو توده‌ها را در جهت حمایت از منافع سرمایه‌داران صنعتی و الیگارش مالی، استثمار می‌کند و از سوی دیگر منجر به نوسانات اقتصادی در جامعه می‌شود. متأسفانه بسیاری از طراحان سیاست پولی جدید که اقتصاد را در جوامع سرمایه‌داری آموخته‌اند، آنچنان به تئوریهایی بورژوازی دل بسته‌اند که گوئی این نظریات، قوانین لایزال بوده و نمی‌تواند مورد تردید بقیه در صفحه ۶

پول بصورت سکه‌های فلزی بود، این امکان وجود داشت که بتوانیم باعتبار طلا و نقره موجود در سکه پول را کالائی نظیر سایر کالاها محسوب کنیم، ولی پس از رواج اسکناس و خصوصاً قطع رابطه‌ی آن با طلا و نقره و سلب الزام ناشر اسکناس از حیث تبدیل آن به طلا و نقره، اسکناس و سایر علائم پولی وسیله‌ای در اختیار سرمایه‌داران قرار گرفت تا بدین ترتیب بلطف خود را تحکیم بکشند و غارت خود را توسعه دهند. نرخ بهره و تغییرات آن در شرایط مختلف، یکی از مکانیسم‌های مهم پولی در نظام سرمایه‌داری است که استثمار توده‌ها را توسط طبقه سرمایه‌دار بویژه جناح مالی آن برقرار میکند

شورای پول و اعتبار در سید و نود و دومین جلسه مورخ دیماه ۱۳۵۸، حذف نرخ بهره را از سیستم بانکی کشور اعلام و دستورالعمل سیاست جدید را به بانکها، ابلاغ داشت. رئیس کلی سیاست جدید به نقل از ابلاغیه بانک مرکزی به بانکهای کشور بدین قرار است:

۱- حداقل سود تضمین شده برای سپرده‌ها؛ به سپرده‌های غیر دیداری (سپرده ثابت و پسان‌انداز) سودی بعنوان حداقل سود تضمین شده با نرخ ۸/۵ درصد در سال برای سپرده ثابت و برای سپرده‌های پسان‌انداز حداقل سود تضمین شده معادل ۷ درصد در سال تعلق می‌گیرد.

۲- کارمزد اعطای وامها و سایر تسهیلات اعتباری: از اول سال ۱۳۵۸ احتساب دریافت بهره از انواع اعتبارات و وامها و سایر تسهیلات اعتباری حذف و برای جبران هزینه‌های آن بانک کارمزد و سهم سود تضمین شده... دریافت خواهد شد.

با توجه به ابلاغیه فوق از یکسو و اخباری که وسائل ارتباط جمعی درباره حذف بهره تحویل اذهان مردم داده‌اند از سوی دیگر، ما لازم می‌بینیم که در این باره یک بررسی هر چند باحاطت تقدیم خوانندگان امت کنیم و پیشنهادهای خود را در این زمینه ابراز داریم.

چگونگی عملکرد نرخ بهره در نظام سرمایه‌داری در نظام سرمایه‌داری کنونی، پول تنها وسیله مبادله نیست، بلکه وسیله‌ای است برای تحکیم سلطه سرمایه‌داران. تا موقعیکه

نابودی فئودالها از شعار تاعمل

مصاحبه با کشاورزان قشقائی

انقلاب و مبارزه خود در انتظار حاکمیت دولتی انقلابی و درخدا خواسته‌های مبارزاتی و انقلابی خود بود، دولت نه تنها به‌سرمایه‌دار وابسته و مزدور بناه داد بلکه اصولاً کلیه مشکلات اقتصادی، بخصوص سروسامان گرفتن وضع آشفته کارخانجات را در دست سرمایه‌داران و کارفرمایان مزدور میدید. با احترام به مالکیت‌های خصوصی آنچنان به‌فئودال‌ها و ملاکین و غاصبیتی زمین‌های خدا و خلق میدان داد که تمام فراریها و دزدان بیت‌المال دوباره بازگشتند. چرا که نه از محاکمه فئودال‌ها خبری بود و نه از بازپس گرفتن زمین‌ها، بازگشتند تا باز استثمار بهره‌کشی را بروال سابق ادامه بدهند، و اسفناکتر

بعد از پیروزی‌های شکوهمند همن‌ماه وقتی مدت‌ها قبل از آن خیلی از سرسپردگان و مزدوران رژیم، ملاکین، فئودال‌ها و سرمایه‌داران و تمام گستاخیکه پیروزی انقلاب و جایگزینی یک رژیم سمردی و اسلامی را در تضاد با منافع خود می‌دیدند. ترسناک از خروش سهمگین انقلاب و ترسان از انتقام بحق توده‌ها فرار کردند و تا آنجا که توانستند بردند. اما مستأسفانه حاکمیت لیبرال‌ها و عناصر سازشکار و ممانعت‌طلب، مسیر انقلاب را از هدف اصلی آن منحرف ساخت، بتدریج با استحکام بخشیدن به‌موقعیت خود سروسداهای و شور و اشتیاق انقلابی خلق فروروش نمود، بتدریج یک نوع سردی آمیخته با یاس به‌خلق مبارز و قهرمان ما حکمفرما شد خلقی که در تداوم

والدهایم، دلال رسوای امپریالیسم

اگر بخواهیم خط امام را در برخورد با محافل و عناصر امپریالیستی در مبارزه برتوان امام و امت بر علیه امپریالیسم جهان‌خوار برسرکردگی امریکا بازگو کنیم، چیزی جز سازش‌ناپذیری و قاطعیت نخواهد بود. از ابتدای اشغال لانه جاسوسی امریکا و از زمانیکه جوانان و دانشجویان مبارز با استفاده از رهنمود تاریخی امام «شنیدند تا دیگران کاری برای شما انجام بدهند، خود دست بکار شوید» دست‌ها را بسلا زدند، محافل امپریالیستی بخصوص امپریالیسم امریکا ترسان از بخطر افتادن منافع خود و لرزان از قاطعیت امام که مژه آن را از مدت‌ها قبل چشیده بودند،

بدرمان امریکای جهان‌خوار زد. و بدینگونه خط اما یکبار دیگر قاطعیت خود را به‌منصه ظهور رساند تا بدانند که در همه جا و در هر شرایطی اما همیشه قاطع بوده و سازش‌ناپذیری جزئی از ماهیت حرکتی اوست. توکران یکی یکی آمدند و رفتند جواب امام این بود مذاکره هرگز! آخرین نماینده دلال امپریالیسم آقای والدعایم هم آمد باز جواب همان بود، نه مذاکره هرگز! چرا که امام در مبارزه ضد امپریالیستی خطی را مشخص میکند که خود اصالت یک مبارزه اصیل مکتبی را در بردارد، خطی که بیانگر بیشترین عمیق و مکتبی امام در برخورد با جبهه کفر است. مگر نه اینکه امام با کافر و جبهه کفر قلمداد کردن امریکا به‌مبارزه ضد امپریالیستی عمق مکتبی بخشید. مگر نه اینکه قرآن فرمان میدهد «اشدوا الالکفار»

بنابراین اصول مبارزه مکتبی سرهن و روشن است. قاطعیت و نفي هرگونه مصالحه و سازش، اگر تا به‌امروز گستاخیکه داعیه مبارزه با امپریالیسم را داشته‌اند توانسته‌اند از طریق مذاکره و گفتگو به‌نتیجه و پیروزی برسند مطمئناً ما دومین آن خواهیم بود.

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

ویژگیهای رئیس

● خلق و ارواح شهیدان اجازه ندادند والداهایم تربیت پاکشان را ملوث کند

مخالف امپریالیستی یا تئوسیت و تحریک تضادهای درون خلقی با این خطر مقابله کردند. نیروهای پیشرو زیر فشار قرار گرفتند و تضادهای ایدئولوژی بهانه خوبی به محافل ارتجاعی و لیبرالی داد تا موقعیت و قدرت خود را حفظ کرده، عمل نیروهای انقلابی را خنثی و اذعان کرده را از دشمن اصلی یعنی امپریالیسم به درگیریهای غیراصولی منحرف سازند.

تیر انقلاب خلق

این تیر که از ترکش انقلاب خلق توسط دانشجویان متعهد مسلمان ما بسوی دشمن نشانه رفت

بعضی جریانها به اصطلاح «چپ» و یا پیشرو دانسته یا ندانسته داخل در این دام شدند و با عکس العملهای خود بر آتش این نوع تضادهای دامن زدند. چنانکه برای مدت چندین ماه هر روز یک حادثه تازه جناحهای مختلف خود را بخود مشغول می کرد و خطر امپریالیسم و سلطه نیروهای لیبرالیسم و سیاست سازشکارانه و ضد انقلابی آنان پنهان می ماند و بطوریکه شعار عمده هر طرف مبارزه گروهی و مسلکی با طرف دیگر گردید. هر واقعه کوچک پراحتی مستحکم می شد برای ایجاد جنجال و متمم ساختن و برچسب زدن و تظاهرات خیابانی و شعار دادن علیه یکدیگر - امریکائیها از سیر حوادث خوشحال و سیاستهای دولت لیبرال و دیگر مراکز قدرت را بروفن مراد می دیدند.

مشورین امور با سیاست ضد انقلابی خویش، عملاً انقلاب را متوقف و از مسیر درست خود منحرف ساختند. با پیکاهای دشمن را استوار و حمایت کرده، شور انقلابی را فرو نشاندند، ساواکیها را آزاد و به خدمت گرفتند ارتش را تصفیه نکرده واگذاشتند و ادارات را نیز، سرمایه داران را حمایت، فئودالها را مسلح و پندهای وابستگی را مستحکم نمودند. از همه بالاتر و سهمتر نیروهای ضد انقلاب بسرعت رشد نمودند و تدریجاً متحد شدند و جسارت توطئه یافتند. حادثه روز جمعه قم حلقه های دیگر از سلسله زنجیر توطئه های ضد انقلابی محافل ارتجاع و وابسته و مزدوران ساواک و منافقان و سازشکاران است این حوادث در حقیقت عکس العمل خشم امریکا از مقاومت ملت و قاطعیت و سازش ناپذیری امام خمینی است - آنان بیش از هر چیز نسبت به امام خمینی خشمگین اند رهبر انقلاب را بزرگترین مانع پیشروی مقاصد خویش می بینند، قاطعیت او را می بینند که در پیشایش توده مبارز برنامه های مصالحه و سازش را محکوم می کنند، والداهایم را رسوا و نقاب تزویر از چهره کریمه توطئه گری برمی دارند و این عروسکیهای دست آموز امپریالیسم و دست پوسان شاه و اصف و شاهکاران مکتب تزویر و سالوس کیسینجر صهیونیست، به هریم مقدس خویش راه نمی دهند امام از ملاقاتش سرباز می زنند و دانشجویان متعهد ما به محفل خود در لانه جاسوسی امریکا راه نمی دهند و هر جا می رود با خشم و نفرت ملت روبرو میشود و خلق همراه با ارواح بیدار و زنده شهیدان در بهشت زهرا حتی اجازه نمیدهند پاهای آلوده به پا گاهای کثیف شاه آدمکش، تربت پاک و مقدس شهدای خلق را ملوث کند.

اما در این میان تنها مسئولین امور در دولت و شورای انقلاب بسی اعتنا به احساسات ملت و آسنتی ناپذیری امام با وی به گفتگو می نشینند. او را در مهترین رکن انقلاب «شورای انقلاب» که بساید مظهر اراده خلق و پیشینش مبارزه ضد امپریالیستی نمونه سازش ناپذیری و ایستادگی باشد و از خط امام تبعیت کند، راه می دهند.

شاید مظهر اراده خلق و پیشینش مبارزه ضد امپریالیستی نمونه سازش ناپذیری و ایستادگی باشد و از خط امام تبعیت کند، راه می دهند. ضد انقلاب تاکنون از ضعف و عدم قاطعیت دستگامهای اجرائی و رهبری بخوبی سود برده است، حاصل ده ماه زمامداری دولت لیبرال و شورای انقلاب تجدید حیات و رشد و گشتاخی ضد انقلاب و مزدوران امپریالیسم است که می بینیم با وقاحت تمام در قم محل استقرار امام است، آسوپ بی می کنند، قصد حمله به خانه محبوب ملت رهبر سازش ناپذیر و بیار صمیمی خلق می نمایند.

انقلاب به دو چیز نیاز داشت، روحیه و پیشین انقلابی و قاطعیت اقدام و تصمیم گیری و متاسفانه دولت و شورا فاقد هر دو بودند - نداشتن روحیه و پیشین و برنامه انقلابی روند انقلاب را متوقف کرد و توده ها را سرخورده و پراکنده و عدم قاطعیت، ضد انقلاب را تشویق به تجمع و توطئه نمود. خوشبختانه امام در میان است بودن در دست در لحظاتی که سرنوشت انقلاب به موتی بسته بود پرچم فرو افتاده انقلاب را برمی افراشتند و مشعل پیکار را روشن

این تیر که از ترکش انقلاب خلق توسط دانشجویان متعهد و مسلمان ما بسوی دشمن نشانه رفت بر حساس ترین موضع وی برخورد کرد.

● حال که ملت در برابر مسئولیت انتخاب رئیس جمهور قرار گرفته است

● با آگاهیهای محدودی که نسبت به داوطلبان دارد، چگونه می تواند بیک انتخاب مطلوب اقدام کند؟

بر حساسترین موضع وی برخورد کرد - دشمن زخم خورده سخت در تلاش است - می داند که ادامه این مبارزه موجودیت و حیات وی را در خطر جانی می افکند - از این رو همه امکانات خود را برای سازش بکار انداخته است ملت قهرمان ما و همه انقلابیون مسلمان باید بشدت نسبت به توطئه سازش هشیار باشند.

محافل امپریالیستی در پیشبرد این برنامه پیچیده و ظریف عمل می کنند - دول اروپائی و سازمان ملل و سایر وابستگان به امپریالیسم دست در کارند، همراه با تشدید اختلافات و آشوبهای داخلی و فشار بر روی رهبری انقلاب بیک صلح می فرستند ما بهیچ استوار و نفوذ ناپذیری احتیاج داریم از کانهای انقلاب باید صمیمانه در خط امام و امت حرکت کنند - نباید تزلزل نشان دهند، نباید نشانه های از اختلاف موضع گیری به دشمن بدست بدهند - هجوم نظامی روسیه شوروی به افغانستان در همانحال که باید بطور قاطع محکوم شود و ملت افغانستان مورد حمایت قرار گیرد - می باید هوشیار باشیم که هرگز مستمسک انحراف مبارزه نشود و دشمن اصلی یعنی امریکا و امپریالیستهای غربی فراموش نشوند.

مانورهای امریکا و متحدین اروپائی همه برای انصراف ملت ایران و رهبری انقلاب از مبارزه اصلی و سرنوشت ساز کنونی است - بروشنی معلوم است که هدف امریکا و محافل امپریالیستی اینستکه - اغتشاشات داخلی و تضادهای درونی را تشدید کنند، جنگ و نزاع و کشمکش راه بیندازند - به بحران اقتصادی را با محاصره ایران تشدید کنند، ملت را در یک حالت پاس و پراکندگی و ناامنی قرار دهند تا از انقلاب و رهبری آن سرخورده شوند و زمینه قبول سازش در آنان پدید آید، این وضعیت مسلماً مورد بهره برداری سازشکاران و مزدوران امریکا قرار خواهد گرفت تا با تبلیغات خود راه غلبه بر دشوارها، ناامنی، اغتشاش و خطر تجزیه مملکت و بیکاری و قحطی و گرسنگی را سازش و مصالحه قلمداد کنند و اعتبار انقلاب و رهبر آنرا از بین برده شرایط برای رشد و غلبه نیروهای میانه رو و حتی عوامل ضد انقلاب فراهم شود.

پس بزرگترین وظیفه امروز ما فترده کردن صف مبارزه ضد امپریالیستی بر رهبری امام خمینی است و هر اقدامی که این صف را متزلزل و مبارزه را سست و منحرف سازد و یا رهبری امام را ضعیف کند خیانت آشکار به انقلاب و مصالح خلق است.

اگر به این حقیقت اعتراف کنیم که اگر یک سیاست انقلابی و قاطع بر ارکان اجرائی و تصمیم گیری کشور حاکم شود - قطعاً نیازی نبود تحت شرایط حساس کنونی و با وجود بسیاری مسایل حل نشده با عجله و پیش از آنکه شرایط یک انتخاب موفق فراهم شود، وارد مرحله مبارزات انتخاباتی رژیم جمهوری و مجلس شورای ملی بشویم.

بدرستی معلوم است که امام خمینی بدلیل مسئولیتی که نسبت به سرنوشت انقلاب احساس می کند و با توجه به ضعفهای ارکانهای انقلاب مایلند هر چه زودتر انقلاب را بدست ملت و نمایندگان ملت بسپارند - اما نمی تواند که است برایشان سپرده است و تاکنون با درایت، تقوی و استواری بی نظیری در برابر انحراف و شکست حفظ کرده اند، پیش از آنکه زیر نفوذ و سلطه بسینشهای ضد انقلابی و سیاستهای سازشکارانه و قدرتهای لیبرالی و ارتجاعی و فرصت طلبیها، پایمال و نابود بشود به تدریج بسیاری

بمردمی که امام همیشه آنان را مخاطب و مورد اتکاد قرار داده اند و ذیصلاح شمرده اند.

آگاهی ملت در جریان انتخابات

اکنون امام از ملت می خواهند تا با هشیاری و دقت تمام فردی حائز شرایط برای مقام ریاست جمهوری انتخاب کنند تا کشور سامان یابد و جمهوری استقرار یابد. معتقدیم استقرار نظم انقلابی پیش از آنکه مربوط به انتخابات رئیس جمهور و مجلس و سایر ارگانها باشد به تغییر انقلابی نهادها و ناپذیری پایگاههای دشمن و غلبه یک سیاست مکتبی و انقلابی و قاطع بر کشور ارتباط دارد، به آگاهی مردم بر معیارهای انقلاب و مکتب و مایهت و سیاست و طرز فکر و عمل داوطلبان، ارتباط دارد، آگاهی ملت در جریان مبارزه و تجربه رشد پیدا می کند، چنانکه طرف مدت کوتاهی که از مبارزه تازه ضد امپریالیستی

● این تیر که از ترکش انقلاب خلق توسط دانشجویان متعهد و مسلمان ما بسوی دشمن نشانه رفت بر حساس ترین موضع وی برخورد کرد.

● حال که ملت در برابر مسئولیت انتخاب رئیس جمهور قرار گرفته است

● با آگاهیهای محدودی که نسبت به داوطلبان دارد، چگونه می تواند بیک انتخاب مطلوب اقدام کند؟

می گذرد - مردم بر بسیاری حقایق آگاه شدند و ماهیت بسیاری جریانهای انحرافی و سیاستهای سازشکارانه را شناختند - هر اندازه این مبارزه عمیق تر شود و توسعه و ادامه یابد بر کمیت و کیفیت آگاهی اجتماعی و انقلابی مردم افزوده می شود.

حال که ملت در برابر مسئولیت انتخاب رئیس جمهور قرار گرفته است با آگاهیهای محدودی که نسبت به داوطلبان دارد چگونه می تواند بیک انتخاب مطلوب اقدام کند؟ یک انتخاب مطلوب مستلزم داشتن دو رشته اطلاعات است یکی معیارهای مکتبی و انقلابی و دوم اطلاع از تجربیات و عمل و اندیشه و افکار داوطلبان، قاعدتاً هر کس انتظار دارد اولین رئیس جمهور اسلامی ایران که سمره انقلاب خلق است، عنصری انقلابی با پیشین و طرز تفکر مکتبی و آگاه و با تقوی و پیشینش در مبارزه و مقارمت و آگاهی و مسئولیت اجتماعی باشد فردی برخاسته از متن حرکت انقلابی دارای سعه صدر و فراع از تنگ نظریهای شخصی و خودخواهی و هوای نفس باشد - کسی باشد که ضمن سالها مبارزه در میان مردم و امت، با اخلاقی اسلامی برپایه حق و درستی و با آنها همراه و حرکت مبارزاتی را انجام داده،

امت

و صراحت و صداقت خود را و برنامه های خویش را با وضوح تام اعلام کنند به اعتقاد ما داوطلبان این مقام یابد.

شرایط داوطلبان ریاست جمهوری

اول - سابقه مبارزات اجتماعی و سیاسی و مکتبی خویش را بدون اغراق و بدرستی و امانت از لحاظ کمی و کیفی شرح دهند و بسا کسان دیگری سوابق آنان و تجربیات و فعالیتهای خوب و بدشان را برای مردم تشریح کنند.

مردم بدانند ظرفیت و بسنجال و سی سال گذشته هر کدام کجا بوده و چه کرده اند در کدام مسیر فعالیت داشته اند و با چه کیفیتی علیه رژیم مبارزه کرده اند - میزان استمرار و با عمق مبارزه آشنا شناخته شود. این اطلاعات باید شامل افکار و عقاید آنان در زمینه مسایل سیاسی و مکتبی همراه باشند.

دوم - تحلیلی از انقلاب اسلامی و نیروهای ضد انقلاب، از عوامل آن، تشریحی از نیروهای ضد انقلاب، از امپریالیسم و عملکرد و پایگاههای آن در داخل ارائه داده چگونگی و روند مبارزه ضد امپریالیستی و انقلاب اسلامی را ترسیم و نظر خود را درباره این مبارزه و ابعاد و چگونگی آن صریحاً اعلام نمایند.

سوم - برنامه مبارزه ضد امپریالیستی و بسویه نظر خود را درباره مسأله جاسوسان امریکائی و نحوه مقابله با توطئه های امریکا سیاست صلح و سازش، محاصره اقتصادی - تهدید نظامی اعلام کنند. چهارم - نظر و برنامه خود را درباره نحوه مبارزه با ضد انقلاب در داخل و فرونشاندن آشوبهای داخلی و سرکوبی ضد انقلاب اعلام دارند - هم چنین اعلام کنند که برای حل مسأله قومیت ها چه طرح و برنامه ای دارند.

پنجم - نظر و برنامه خود را درباره بحران اقتصادی، بیکاری و تورم و همچنین درباره سیاست صنعتی و کشاورزی کشور با روشنی اعلام نمایند. ششم - بگویند نسبت به مبارزه با بقایای فئودالیسم و مالکیتهای ارضی و تقسیم ارضی چه نظر و برنامه ای دارند بگویند که درباره مناسبات کار و سرمایه و اداره و مالکیت صنایع و طرز اداره صنایع ملی شده و همچنین مسأله صنایع مستعزز و وابستگی در صنعت و امور مالی و بانکی چه نظر و برنامه ای دارند.

هفتم - بگویند که نظر و سیاست آنان در مورد ارتش و نیروهای انتظامی اسلامی چیست مسأله تصفیه ارتش را چگونه عمل می کنند چه نظام ارتشی را پیشنهاد می نمایند - نقش سپاه پاسداران و ارتش توده ای چه خواهد بود همچنین بگویند نظر و برنامه شان درباره سازمانهای اطلاعاتی، تجدید بنای ساواک یا استخدام مجدد ساموران ساواک منحل - رکن ۲ ارتش و اطلاعات شهربانی و سایر مراکز اطلاعاتی قدیم و جدید چیست.

هشتم - بگویند که با نظام شوراها چه خواهند کرد و آنرا با چه کیفیت و محتوایی و با چه فوریتهی مرحله اجرا در می آورند - نظر خود را درباره وظایف شوراهای شهرها، کارگران و شوراهای دهات و نظایر آن اعلام نمایند.

نهم - نظر و برنامه خود را در سیاست خارجی، در روابط با کشورهای امپریالیست، کشورهای دست نشانده امپریالیسم در روابط با جنبشهای آزادیخواه جهان اعلام کرده وظیفه دولت جمهوری اسلامی را در نهضت جهانی مستضعفان و رهائی از سلطه امپریالیستها و گسترش انقلاب بوضوح به اطلاع مردم برسانند.

دهم - نظر و برنامه خود را درباره آزادی احزاب و سازمانها و فعالیتهای فکری و سیاسی اعلام کنند. یازدهم - اعلام کنند که در صورت انتخاب به مقام رئیس جمهوری - برای تضمین وحدت جبهه انقلاب و خلق بر ضد دشمن چه طرحی دارند و یا چه نوع همکاری با نیروها و احزاب مختلف را پیشنهاد می نمایند و سرانجام چه کسانی را برای تشکیل کابینه و احراز پستهای مهم و حساس مملکتی به همکاری دعوت خواهند کرد - در دادن مسئولیت تا چه حد به نسل جوان و انقلابی جامعه ما ارزش و بها می دهند.

با این کار مردم حداقل اطلاعات برای انتخاب بهترین از برنامه های نقش تعیین کننده ماهیت و عملکرد افراد نیست لکن وقتی برنامه ها با پیشین و تجربه و عمل گذشته آنان مقایسه شود در چه هماهنگی آن از میزان صداقت و صراحت آنان گواهی می دهد به اضافه این امر تعمیدی برای داوطلبان در قبال ملت بوجود می آورد و در آینده در صورت عدول از برنامه ها و قول و تمهیدات، خود بخود به مردم حق داده اند تا متقابلاً از بیعت خود عدول کنند و مشروعیت مقام آنان را انکار نمایند.

دخالت نظامی شوروی در افغانستان و بهره گیری امپریالیسم آمریکا از آن

و به کشتار مردم محروم افغانستان منجر شده است.

چنین عملکردی از جانب هر نیروی مردمی محکوم است و امپریالیسم آمریکا سعی دارد تا بیشترین طرفه را از آن ببرد و در پناه آن چهره ضد مردمی و ضد انقلابی خود را پنهان سازد. اگرچه حرکت مبارزاتی مردم افغانستان هنوز نتوانسته شکل غالب خویش را در رهبری نیروهای اصیل اسلامی و انقلابی نشان دهد و ماهیت ضد سلطنتی و ضد فئودالی و همچنین ضد امپریالیستی در بسیاری از عناصر و گروهها هنوز روشن نیست. ولی حکومت های دست نشانده شوروی در افغانستان هم، اگرچه با اصلاحات و رفرفهائی، تنها با وابستگی خود، عدم وجود استقلال را نشان میدهند و این وابستگی در ابعاد سیاسی، وابستگی اقتصادی و نظامی را نیز به همراه دارد. آنچه مسلم است قربانی این دخالت نظامی از جانب دولت شوروی، که خود در بسیاری جهات با امپریالیسم آمریکا به سازش و مفاشات درآمده است، تنها خلق مسلمان افغانستان می باشد، که در جهت برپائی و دفاع از استقلال کشور خود، مبارزه ای طولانی را در پیش رو دارند و امید آنکه در این مبارزه با آموزش و قسراگیری اصول انقلابی مکتب اسلام و با رهبری نیروی اصیل انقلابی در جهت نفی استبداد و استعمار و استثمار گام برمی دارند و از یوغ ابرقدرتها خود را برهانند.

خبر کودتا در افغانستان و دخالت نظامی شوروی در آن کشور، بسرعت در سراسر جهان پخش شد، و امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا، در شرایطی که از مبارزه ضد امپریالیستی خلق مسلمان ایران به تنگنا افتاده است و در اوج این مبارزه، که در سطح جهان با اشغال لانه جاسوسی آمریکا، بسویله دانشجویان مبارز و مقاومت همه جانبه خلق و رهبر سازش ناپذیر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی، بار دیگر ماهیت ضد انسانی امپریالیسم آمریکا آشکار تر شد، با تبلیغات گسترده ای، سعی در تغییر جهت مبارزات و اعلام مواضع «بشر دوستانه» را دارد. از این جهت کشورهای امپریالیستی یکصد دخالت نظامی شوروی را محکوم نمودند و با جنجال فراوان و تشکیل شورای امنیت و حملات و جنگ تبلیغاتی، کوشش دارند تا مسأله افغانستان و دخالت شوروی در آن کشور را، آنچنان مطرح سازند که یوفنشی همه جانبه برای بفراموشی سپردن مبارزات مردم ایران، علیه امپریالیسم آمریکا گردد.

دخالت نظامی شوروی در افغانستان به این سیاست حیله گرانه امپریالیسم آمریکا، کمک شایسته ای نموده و عملاً در جهت مبارزات ضد امپریالیستی خلق ایران، علیه جنایات آمریکا خنده وارد کرده است. حرکت غیر اصولی و ضد مردمی دولت شوروی، تنها به تشدید تضاد در افغانستان کمک خواهد نمود

و السلام

گزارشی از سیستان و بلوچستان

مهمی اقداماتی نیز بعمل آورده اند. در چنین شرایطی از یکطرف توده‌ها همچنان تحت روابط استثمارگرانه فئودالها بسر می‌برند از طرف دیگر قاچاق اجناس و حتی اسلحه‌های گوناگون سهولت جریان دارد. ناگفته نماند که چون زاندار مری منطقه هم تصفیه انقلابی نشده است، عناصر و عوامل آن مستقیم و غیر مستقیم از سردارها و خوانین حمایت می‌کنند. با توجه به این مسائل و نیز وجود اختلافات قومی و قبیله‌ای و وجود عوامل و بقایای ساواک و وابسته به رژیم گذشته، برای ایجاد تشنج و برانداختن جنگ و برادرکنی، همه تلاش خود را بکار گرفته‌اند. برخورداری مسلحانه اخیر در منطقه و شهادت پاسداران و اهالی شهر زاهدان نشان داد که تا چه حد عوامل ذهنی و عینی برای بوجود آوردن یک کردستان دیگر آماده است. در این رابطه دخالت و عملکرد بعضی از گروه‌های چپ‌سار را نباید نادیده گرفت، این عناصر علیرغم بعضی از مواضع مترقی و



روشنفکرانه، در عمل هم سنگر و هم جبهه با سردارها و خوانین و عوامل ساواک هستند. در چنین اوضاع خطرناک و بحرانی، اگر سرعت و با قاطعیت اقدامات انقلابی انجام نگیرد، کردستان دیگری در منطقه سیستان و بلوچستان در شرف تکوین است. بعضی از اقدامات پیشنهادی می‌توان چنین باشد:

- ۱- خلع سلاح و خلع ید از خوانین و فئودالها و سپس محاکمه آنها، چون تعدادی از این فئودالها بر همکاری مستقیم با ساواک داشته‌اند و جنایتان بر توده‌های منطقه نیز آشکار است در صورت اعدام چند تن از آنان، امید به توده‌های ناامید و زحمتکش منطقه داده خواهد شد.
- ۲- تقسیم سریع اراضی فئودالها و سردارها بین دهقانان محروم بلوچ و سیستانی.
- ۳- کل کردن روزه‌های ایران، جهت جلوگیری از حمل قاچاق اجناس، بخصوص قاچاق اسلحه.
- ۴- به اجرا در آوردن اصل شوراها، در سطح استان.
- ۵- بسیج توده‌ها و نیروی جوان فعال و بیکار در فعالیت‌های عمرانی و سازنده در منطقه و اصلاح کشاورزی در منطقه.
- ۶- تصفیه ادارات و ارگانهای دولتی از عناصر ضد انقلاب و بی‌صلاحیت و جایگزینی نیروهای جوان و متعهد بجای آنها.

متأسفانه در مراحل نخست، پس از پیروزی، دولت موقت با برخوردی لیبرالیستی نتوانست به این همبستگی و جهت‌بخشی کمک نماید و عملاً با اعلام مواضع از جانب وزیر امور خارجه در دولت موقت گذشته، آقای یزدی که «ما قصد نداریم انقلاب خود را صادر کنیم» و عدم کمک به گشایش دفتر سیاسی برای متأسفانه در مراحل نخست، پس از پیروزی، دولت موقت با برخوردی لیبرالیستی نتوانست به این همبستگی و جهت‌بخشی کمک نماید و عملاً با اعلام مواضع از جانب وزیر امور خارجه در دولت موقت گذشته، آقای یزدی که «ما قصد نداریم انقلاب خود را صادر کنیم» و عدم کمک به گشایش دفتر سیاسی برای

فئودالیسم، توده‌های مردم را در پائین‌ترین سطح فرهنگی مسکن نگاهداشته‌اند. اینان از هرگونه امکانات آموزشی، بهداشتی و رفاهی، حتی از هرگونه امکانات اولیه زندگانی محروم‌اند.

۴- اختلافات قومی: به‌دلیل پائین بودن سطح فرهنگی توده‌ها و وجود پیرون دوشاخه شیعی و سنی در منطقه، بین بلوچها که عمدتاً سنی مذهب هستند و سیستانی‌ها که شیعه‌اند، اختلافات قومی و قبیله‌ای وجود داشته و تشدید هم می‌شود.

بخصوص که دخالت رژیم پهلوی و توطئه‌چینی‌های فئودالها آتش این اختلافات را گرمتر می‌سازد.

اوضاع منطقه پس از انقلاب

اولاً فئودالها و سردارها از زمان آغاز انقلاب از سرنوشته آینده خود بی‌سناک بودند. با پیروزی انقلاب،

آیا این درگیریها بطور اتفاقی پیش آمده است، یا اینکه عوامل و جریاناتی از مدتها قبل دست‌اندرکار بوده‌اند تا چنین آشوبها و برادرکنی‌هایی را بسراه اندازند این چه توطئه‌هایی است که هر روز در یک نقطه از کشور به‌منتهی ظهور می‌رسد. از کجا و توسط چه عواملی برنامه‌ریزی می‌شود در این گزارش تحلیل مختصری از منطقه و شیوه عملکرد مقامات مسئول را می‌آوریم.

۱- حساس بودن موفقیت منطقه، سیستان و بلوچستان بعزت همسایگی و همجواری با بلوچستان پاکستان و افغانستان و ارتباط بلوچ‌های منطقه از طریق ارتباط در قاجاق کالا و... تئوری اتحاد بلوچ‌ها را مطرح ساخته است. زمینه‌های تاریخی این تئوری و حساسیت منطقه بزمان حاکمیت استعمار انگلیس در منطقه باز می‌گردد. انگلستان که در آن زمان بعنوان استعمار مسلط عمل می‌کرد، عملاً اقوام یکپارچه را چندین قسمت مینمود و هر کدام را به‌مرزهای کشوری ملحق می‌ساخت. قوم بلوچ به‌سبب قسمت تجزیه شده‌اند که عده‌ای از آنها در ایران و عده‌ای در پاکستان و عده‌ای دیگر در افغانستان زندگی می‌کنند. بلوچها با وجود زندگی در سه کشور مختلف با رژیم‌های گوناگون همبستگی فرهنگی، تاریخی و قومی خود را دارند، و این مسئله دست استعمار انگلیس را در ایجاد تشنج در منطقه باز می‌گذاشت.

۲- حاکمیت فئودالها و خوانین: تا سال ۱۳۵۰ سیستان و بلوچستان که یک منطقه کشاورزی بود، با نظام ارباب‌دورعی اداره میشد. فئودالها و سردارهای شاهگرنه‌ای که در منطقه تحت تسلطشان همچون پادشاه، قدرت اعمال نفوذ داشتند.

حاکمیت فئودالها و سردارها و حمایت رژیم خائن پهلوی از نظام ارباب‌دورعی در این منطقه توده‌ها را به‌بند و اسارت طاق‌فرسای کشانده بود. در سال ۱۳۵۰ بعزت بوجود آمدن قحطی در منطقه، کشاورزی و دامپروری تقریباً از بین رفت، هزاران، هزار نفر از اهالی به‌مقاصد دیگر کشر مهاجرت نمودند.

۳- عقب‌ماندگی و انحطاط فرهنگی: با توجه به ابعاد نظام اسیلاتی و خفقان ناسنی از حاکمیت

تداوم حرکت انقلابی باز دارد و به‌ممانعت و سازش بکشانند. از طرفی هر ایدئولوژی انقلابی تا دارای یک بایگانه انقلابی نباشد، موفقیت بدست نخواهد آورد و اگر هم پیروزی پیدا کند، در سطح جهان بعنوان یک جبهه و نیرو شناخته نخواهد شد. اهمیت بایگانه در یک حرکت انقلابی را می‌توان در هجرت رسول الله به‌مدینه بعنوان بایگانه و مقر انقلاب اسلامی بررسی کرد. اهمیت یک بایگانه برای حرکت جهانی انقلاب اسلامی بخوبی آشکار است که تمامی

● امپریالیسم سعی دارد تا در سطح جهان، حرکتی انقلابی اسلامی معرفی نشود و آنطور وانمود کند که تنها حرکت‌های مارکسیستی است که در مقابل امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا قرار گرفته‌اند

نیروها و نهضت‌های انقلابی را در حول شعار واحد و همبستگی هر چه بیشتر کمک و توان بخشد. آنچه که امروز امپریالیسم بیش از هر چیز از آن وحشت دارد، همانا اتحاد نیروهای مبارز و انقلابی بیرو مکتب انسان‌ساز اسلام است که با بیشترین تسویحی مبارزه ضد امپریالیستی را تا به‌آخر به‌پیش خواهند برد.

روز ۲۹ آفریماه هنگامی که دکتر یزدی برای اسیران یک سخنرانی به‌محل بنام «عیدگناه» در نزدیکی زاهدان می‌رفت و گروه‌های مختلف مردم اعم از بلوچ و سیستانی در آن شرکت کرده بودند، بناگاه دسته‌هایی از مردم بسر علیه یکدیگر شعار می‌دادند. هنوز سخنرانی شروع نشده بود، که پرتاب سنگ و بعد تیراندازی مسلحانه آغاز گشت و پیش از ده‌ها نفر کشته و صدها نفر زخمی بجای گذاشت. روز دوم تی‌ماه دو پاسدار به‌شهادت می‌رسند، روز پنجم ۶ دیماه دو تن دیگر از پاسدار که از شهر ری به‌منطقه اعزام شده بودند، بنامهای جواد صادقی و خیرآبادی به‌شهادت می‌رسند. چند روز پس از آن ۳ نفر دیگر از پاسداران اهل اصفهان در جاده اسیران شهر شهید می‌شوند.

علل وقوع این حوادث چه بوده است؟

فدورت دین‌الله را نمی‌دانستیم و تا دیروز در تاریکی فرک بودیم و امروز وارد نسور شده‌ایم و وارد رفتنی و پاکیزگی و جرات و جرأت و عصیان و خروش که دین‌الله با ننگ‌بندگی در تضاد است و جهان‌بینی توحیدی با سازش‌کاری رابطه‌ای ندارد.

افواجاً: یعنی گروه‌گروه، یعنی که ورودمان در دین خدا، تک‌تک نبود رود خلق از خانه بیرون جمعیت کسوجه و پیوستن رود جمعیت از کوجه‌ها به‌دریای جمعیت در خیابانها، دریای متحد خلق، دریای خروشان و امواجی که امواجش در نهایت بسوی سفارت آمریکا بود، دشمن را خوب شناخته بودیم فریاد زیم مرگ بر آمریکا، مرگ بر آمریکا و امام استعمار گفت: «همه تنگها و قلعه‌ها را بسوی امپریالیزم نشانه روید»

فدورت دین‌الله را نمی‌دانستیم و تا دیروز در تاریکی فرک بودیم و امروز وارد نسور شده‌ایم و وارد رفتنی و پاکیزگی و جرات و جرأت و عصیان و خروش که دین‌الله با ننگ‌بندگی در تضاد است و جهان‌بینی توحیدی با سازش‌کاری رابطه‌ای ندارد.

افواجاً: یعنی گروه‌گروه، یعنی که ورودمان در دین خدا، تک‌تک نبود رود خلق از خانه بیرون جمعیت کسوجه و پیوستن رود جمعیت از کوجه‌ها به‌دریای جمعیت در خیابانها، دریای متحد خلق، دریای خروشان و امواجی که امواجش در نهایت بسوی سفارت آمریکا بود، دشمن را خوب شناخته بودیم فریاد زیم مرگ بر آمریکا، مرگ بر آمریکا و امام استعمار گفت: «همه تنگها و قلعه‌ها را بسوی امپریالیزم نشانه روید»

فدورت دین‌الله را نمی‌دانستیم و تا دیروز در تاریکی فرک بودیم و امروز وارد نسور شده‌ایم و وارد رفتنی و پاکیزگی و جرات و جرأت و عصیان و خروش که دین‌الله با ننگ‌بندگی در تضاد است و جهان‌بینی توحیدی با سازش‌کاری رابطه‌ای ندارد.

افواجاً: یعنی گروه‌گروه، یعنی که ورودمان در دین خدا، تک‌تک نبود رود خلق از خانه بیرون جمعیت کسوجه و پیوستن رود جمعیت از کوجه‌ها به‌دریای جمعیت در خیابانها، دریای متحد خلق، دریای خروشان و امواجی که امواجش در نهایت بسوی سفارت آمریکا بود، دشمن را خوب شناخته بودیم فریاد زیم مرگ بر آمریکا، مرگ بر آمریکا و امام استعمار گفت: «همه تنگها و قلعه‌ها را بسوی امپریالیزم نشانه روید»

تقویم انقلاب در آئینه سوره فتح

بسم الله الرحمن الرحيم

تقویم انقلاب در آئینه سوره فتح

اذا جاء نصر الله والفتح ورايت الناس يدخلون في دين الله افواجا فسبح بحمد ربك واستقرره انه كان توپا.

اذا: یعنی زمانی، لحظه‌ای و هنگامی، زمان خروشدین، زمان درم گویدین، زمان حرکت سیلاب قدرتمند خلق در کوجه و بازار، زمان انفجار و زمان طلوع یعنی پانزدهم خرداد.

جاء: یعنی آمد، آمدن مردم در میدان نبرد، آمدن کودکان به‌بشت‌بامها برای تکبیر، آمدن زنان به‌صحنه مصاف و جنگ و آمدن همه و همه برای شهادت و جان باختن و گلوله داغ را بر پوست خود حس کردن و فرار کوجه به‌کوجه و سنگر بستن و عساکه آفریدن، یعنی هفدهم شهریور.

نصرالله: یعنی یاری الله، یعنی رفتن شاه، یعنی پیوستن ارتش به‌مردم، یعنی گرفتن پادگان، یعنی از شوق و ناپاوری بیخوردن، یعنی آمدن خمینی به‌تهران و استقبال خلق، دریای جمعیت، خروشان و جوشان پرتیش و با فریاد «درد بر خمینی» یعنی ۲۲ بهمن.

فتح: یعنی پیروزی، یعنی اعلام جمهوری اسلامی، یعنی برآوردن آرزوی محمد بدست است و برآوردن آرزوی علی و پاسخی به‌نادی موسی در طور و عیسی در سرزمین مصر و یعقوب در سرزمین کنعان و بالاخره آدم در سرزمین زمین. یعنی آنچه باید تکمیل شود، یعنی آنچه در مقدمه‌اش هستیم و هنوز نشده است و باید بدست شما بشود، یعنی پیروزی نهایی بر سرمایه‌داران، زمین‌داران و بقول پدر طالقانی گردنکشان، یعنی مبارزه برای همه سالها و همه زمانها.

ورايت: یعنی می‌بینی، می‌شنوی، حس می‌کنی، و بی‌تاب می‌شوی، بی‌تاب از شوق و چنبدی، بی‌تاب از ناپاوری، تسحول و تسخیر و واژگونی رژیم دوهزار و پانصدساله بدست خلق.

يدخلون: یعنی داخل می‌شوند، در میدان نبرد و حماسه دیروز با ترس از رژیم سخن می‌گفتیم: امروز وارد میدان نبرد شده‌ایم تا دیروز ما همه خارج از گود بودیم، خارج از واقعیت بودیم، خارج از حقیقت بودیم و امروز داخل شده‌ایم، داخل در صفوف مبارزه و آماده برای جهاد و شهادت، تا دیروز خارج از صف برای مظلومیت حسین می‌گریستیم و امروز برای مظلومیت خلق مستضعفان مشتتا را گره می‌کنیم و با اراده‌تر از پیش به‌جلو گام برمی‌داریم.

في دين الله: یعنی در دین خدا، یعنی که تاکنون بزبان مسلمان بودیم و نه پیشتر از آن یعنی که

ایران از منطقه جدا نگه‌داشته شود و هر چه بیشتر و بهتر در خدمت منافع و مطامع امپریالیسم آمریکا قرار گیرد. طرح و اجرای این برنامه‌ها در دوران رژیم وابسته گذشته، ضربات بسیاری را به انقلابیون در منطقه و مخصوصاً به نهضت فلسطین و در دیگر کشورها و نهضت‌ها وارد ساخت و اساساً امپریالیسم سعی دارد تا در سطح جهان، حرکتی بنام نهضت‌های انقلابی اسلامی معرفی نشود، و آنطور وانمود کند که تنها حرکت‌های مارکسیستی است که در مقابل امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا قرار گرفته‌اند.

امپریالیست‌ها، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این سیاست خود را تجدید بخشیدند و سعی در ایجاد انحراف و سازش در حرکت‌های انقلابی اسلامی دارند و هر چه بیشتر خطر ایدئولوژی اسلام و مسلمین بی‌باخته را احساس نموده‌اند. بیرو این سیاست است که آمریکا میخواهد تا به‌هر صورت نهضت‌ها را از

گردهمائی جنبش‌های بقمه از صفحه ۱

ایران از منطقه جدا نگه‌داشته شود و هر چه بیشتر و بهتر در خدمت منافع و مطامع امپریالیسم آمریکا قرار گیرد. طرح و اجرای این برنامه‌ها در دوران رژیم وابسته گذشته، ضربات بسیاری را به انقلابیون در منطقه و در دیگر کشورها و نهضت‌ها وارد ساخت و اساساً امپریالیسم سعی دارد تا در سطح جهان، حرکتی بنام نهضت‌های انقلابی اسلامی معرفی نشود، و آنطور وانمود کند که تنها حرکت‌های مارکسیستی است که در مقابل امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا قرار گرفته‌اند.

امپریالیست‌ها، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این سیاست خود را تجدید بخشیدند و سعی در ایجاد انحراف و سازش در حرکت‌های انقلابی اسلامی دارند و هر چه بیشتر خطر ایدئولوژی اسلام و مسلمین بی‌باخته را احساس نموده‌اند. بیرو این سیاست است که آمریکا میخواهد تا به‌هر صورت نهضت‌ها را از

ایران از منطقه جدا نگه‌داشته شود و هر چه بیشتر و بهتر در خدمت منافع و مطامع امپریالیسم آمریکا قرار گیرد. طرح و اجرای این برنامه‌ها در دوران رژیم وابسته گذشته، ضربات بسیاری را به انقلابیون در منطقه و در دیگر کشورها و نهضت‌ها وارد ساخت و اساساً امپریالیسم سعی دارد تا در سطح جهان، حرکتی بنام نهضت‌های انقلابی اسلامی معرفی نشود، و آنطور وانمود کند که تنها حرکت‌های مارکسیستی است که در مقابل امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا قرار گرفته‌اند.

امپریالیست‌ها، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این سیاست خود را تجدید بخشیدند و سعی در ایجاد انحراف و سازش در حرکت‌های انقلابی اسلامی دارند و هر چه بیشتر خطر ایدئولوژی اسلام و مسلمین بی‌باخته را احساس نموده‌اند. بیرو این سیاست است که آمریکا میخواهد تا به‌هر صورت نهضت‌ها را از

استعمار صهیونیستی و آغاز مبارزه مسلحانه در فلسطین (۲)

شهادت بنیانگذار مبارزه مسلحانه در فلسطین

نصمن میکند (بند ۱۵) .

تشکیل سازمان الفتح

این حرکت بعد از اغرام قوآ به کانال سوئز توسط دولتین، فرانسه - انگلیس، در غزه تولد یافت رهبری آن بعهده مهندس جوانی بنام یاسر عرفات بود، این نظر اعضای این سازمان، دولت های عربی در آزاد کردن فلسطین ناتوان بوده، اعلام مبارزات: فلسطینیا خود باید با یک مبارزه مسلحانه دراز مدت و مستقل از رژیمهای عربی سرزمین غصب شده خود را آزاد سازند. در ۲۰ آوریل احمد سوخیری، اردوگاه غزه را

عزالدین قسام این مجاهد جنگی نایدیر مادرک نیاز زمان وفتش خویش در آزاد ساختن سرزمین فلسطین، جدا از رهبران سنی و سازشکار شناخته شده عرب، مصمم و قاطع بود و خود و یارانش به نبرد می پردازند. دهقانان محروم را بسیم و صهیونیسم دعوت میکند. حرکت دهقانان با سنگ و چوب آغاز میگردد. در این زمان که سازمان نظامی وی فقط دارای ۲۰۰ عضو و چند هزار هوادار بیست نبود (در مقابل نیروی عظیم نظامی دشمن) در جواب بعضی افراد که میخواستند وی را نسبت به ضعف کسی نیروهایش آگاه کنند چنین گفت: " مهم نیست که ما از لحاظ کبیت ضعیف می باشیم، زیرا آنچه بر ایمان ارزش دارد نمونه و الگو بودن برای توده هاست، تا بتوانیم آنها را آگاه کرده بسج نمائیم " با چنین بیئت و روحیای انقلابی است که وی و یارانش وارد صحنه نبرد میشوند. در ۱۹ نوامبر، حدود ۶۰۰ سرباز انگلیسی، دهکده جنگلی زنیس را که وی همراه بعضی از افرادش در آن بودند به محاصره خود در می آورند. قسام تصمیم به جنگ میگیرد. گرچه نتیجه آن از قبل برای وی روشن بود ولی با این وجود دست به حمله زده، پس از ساعت ها جنگ نابرابر و سخت، بنیانگذار مبارزه مسلحانه در فلسطین، همراه با سه تن از یارانش به دست جنایتکاران انگلیسی به شهادت میرسند. مراسم تشییع جنازه وی در حيفا، فرصتی میشود برای برگزاری تظاهرات عظیم توده های و ملی. قسام مسلحانه عزالدین، تمارت فوری کوشه مدت و دراز مدت بسیار داشت. شهادت او به معنای پایان گرفتن نبرد حق طلبانه مردم فلسطین نبود، چنانکه در طول سالیهای ترازیک ۳۹ - ۱۹۳۵ گروههای عزالدین عملیات چریکی خود را شدت می بخشند. سرگ وی رهبران سنی فلسطین را در شرایط بغرنجی قرار میدهند. یزبوی با ایثار خون خود در راه آزادی فلسطین و مبارزه با امان بر علیه استعمار انگلیس و صهیونیسم اشغالگر، اخطار و اعتراضی نیز بر علیه حکام و شیوخ آن زمان بشمار میرفت. امروز در میان فلسطینی ها از عزالدین قسام بعنوان آغازگر مبارزه ملی فلسطینی یاد میشود. چوای اولین کسی بود که از نبرد مسلحانه بعنوان تنها راه پیروزی، دفاع و هرگونه راه حل سیاسی را محکوم به شکست و ناکامی میدانست. اقدام وی در این راه (هر چند محدود) اثرات قابل توجهی بر سایر نیروهای مبارزه مترقی نهاد. در نوامبر ۱۹۴۹ که جنگ مسلحانه آزادی بخش به او خود رسیده است روزنامه الفتح می نویسد: " امروز اصول و افکار عزالدین قسام در قلب جنبش آزادی بخش ملی الفتح جریان یافته و ما از او بعنوان اولین مجاهد فلسطینی برای آزادی و برجسته ترین و انقلابی ترین افراد در این منطقه از جهان یاد میکنیم "

عزالدین قسام اولین کسی بود که از نبرد مسلحانه بعنوان تنها راه پیروزی، دفاع و هرگونه راه حل سیاسی را محکوم به شکست و ناکامی میدانست.

بنام جنبه آزادیبخش فلسطین افتتاح میکند. در این اردوگاه نظامی که ۲۰۰ نفر از جوانان فلسطینی تعلیم داده شده بودند، وی میگوید: " این اردوگاه جوانان فلسطینی را تعلیم خواهد داد تا بتواند با بدست گرفتن سلاح پیش تازان ارتش آزادی بخش خلق گردد. "

یاسر عرفات و آغاز مبارزه مسلحانه

در شب ۳۱ دسامبر ۱۹۶۴، علی رغم سرما و کنترل شدید اشغالگران، چهارتن با لباس غیر نظامی و با استفاده از تاریکی شب، در پناه درختان، موفق میشوند از اردوگاه دور شده به سرعت به سمت غرب رهسپار شوند. بایست سرگذاشتن دهکده بیت عمر و بیت اولیا و نزدیک شدن به خط آتش سبز منطقه گشت سربازان اسراییلی، حرکت آنها با آهستگی و احتیاط به طرف هدف یعنی ایستگاه پمپ آب که کیبوتس امل الکتون و تقریباً " تمام منطقه را آب رسانی میکرد ادامه یافت. درحالی که دونفر از آنها به مراتب فرار میزدند، دونفر دیگر به محوطه داخلی نفوذ کرده، مواد منفجره را در زیر موتور کار میگذارند. آنها بقیه روز را به دیده بانی و کنترل فعالیت های اطراف می پردازند. در ساعت ده شب برخاستند، دوباره به درون ساختمان نفوذ میکنند، و با کار گذاشتن مقداری دیگر مواد منفجره، ساعتی، به انتظار اولین موفقیت کار نظامی خود می نشینند. ساعت ۱۲ زانویه ۱۹۶۵ ایستگاه پمپ آب همراه با دود و خاک غلیظی به هوا بلند میشود و بدین ترتیب آغاز جنگ مسلحانه در خاک اشغالی بر علیه صهیونیسم آغاز میگردد. چند ساعت بعد مرد ۳۵ ساله و ناشناسی بنام یاسر عرفات به دفتر روزنامه های بیروت حرکت میکند تا اطلاعاتی نظامی شماره یک تنظیم شده توسط " فرمانده کل نیروهای الفتح " را پخش کند. بدین ترتیب سازمان علنی شده، اعلام موجودیت میکند. بعد از این عملیات شبانه، افراد کمی بودند که به آن اهمیت دهند. اعلامیه چنین آغاز میشود: " بنام خدای مهربان، حامی خلق در مبارزه برای بازگرداندن سرزمین غصب شده ما، بنشینان انقلاب خلق عرب، از خلیج تا اقیانوس، حامی و پشتیبان نیروهای آزادیبخش در سراسر جهان، واحدهای رزمی ما توانستند در شب ۳۱

تصمیم میکرد با تشکیل واحدهای کما- ندوشی مرکب از فلسطینی ها که نام فدائی به آنها داده میشود وارد عمل گردد. گروه های فدائی موفق میشوند که عمیقاً (گاهی تا ۱۵ کیلومتر در خاک اسراییل " نفوذ کرده به تجهیزات، باسگاهها، دسته های کشتی و وسائل ارتباطی آنها حمله کنند.

ناصر تصمیم میکرد نوار غزه را بعنوان " بانگاه " فدائیان درآورد. بعد از حمله اسراییل به مرزهای سوریه دمشق نیز رضایت خود را برای ایجاد بانگاهی برای فلسطینی ها اعلام میدارد. این بانگاه نزدیک نسیبیا ایجاد میشود. با وجود

دسامبر ۱۹۶۴ ماموریت خود را در منطقه اشغالی، با موفقیت به انجام رسانده، سالم به بانگاههای خود بازگردند. " نامه دشمن هشدار میدهم که هرگونه اقدام که علیه مردم غیر نظامی انجام دهد - نیروهای ما از نو با شدت بر علیه آنها بعنوان جنایتکاران جنگی وارد عمل خواهیم شد. " هم چنین ما به تمام کشورهای که به هر شکل به دشمن خلق فلسطینی کمک رسانند، اعلام مبارزات کهنه و انقلابی ما بر علیه منافع آنها وارد عمل خواهد شد. " زنده باد وحدت خلق، زنده باد مبارزه برای اعاده حیثیت و سرزمین های اشغال شده. " العاصفه. نیروهای العاصفه به اطلاع مردم فلسطین میرساند که: " جنگ رهائی بخش کهنه اکنون برنامهریزی و آماده شده است هیچ گونه تضادی با برنامه های خلقهای

این دو بانگاه فلسطینی ها آگاه میشوند که این حلات تغییری در سرنوشت آنها نداشته و نمیتواند حتی یک وجب از خاک سرزمین آنها را برگرداند احساس فقدان یک تشکیلات سازمان یافته و احتیاج به وحدت خلق برانگیزدهای که هر قسمتی از آن در زیر رژیم زندگی میکنند، مان آنها خصوصی جوانها شدت میگردد. " در آغاز سال ۱۹۵۰ یاسر عرفات، ابویوسف، ابویاز " هسته های مخفی مقاومت را تشکیل میدهند این اقدام اولین قدم بطرف تشکیل یک سازمانی بود، که هدفش دفاع از حقوق پایمال شده فلسطینی و جلوگیری از افغان سرنوشت خلق آواره فلسطینی به دست دولت های عربی بود. خواست آنها، استقلال مالی، عدم وابستگی آنها به احزاب سیاسی و فلسطینی بود. یاسر عرفات در ۱۹۵۶ با درجهی افسری وارد ارتش مصر شده، دوره مخصوص چریکی را می بیند. سپس با استفاده از این آموزش بر علیه نیروهای فرانسوی و انگلیسی که اقدام به بیاده کردن نیرو وارد عمل میشود. بحران کانال سوئز و اشغال موفتی نوار غزه توسط اسراییل، ناکامی " دولت های عرب و فلسطینی ها " و عدم سازمان یافتن خلق فلسطینی را بشکلی جدی نمایان میکند. تا جایی که یک گروه از جوانان فلسطینی باین حقیقت میرسند که: " باید خود سرنوشت خویش و همهی آنچه به ما مربوط میشود بدست بگیریم " باین ترتیب اکثر دانشجویان فلسطینی که در مصر بودند بدور یاسر عرفات و ابویوسف (محمد نجار) گرد می آیند.

تولد الفتح عکس العمل منطقی شرایط حاکم بردنیای عرب (بغل بحران کانال سوئز) و احساس بی اثری اقدامات فردی

ضرورت تحول

بقیه از صفحه ۶

خواری پیش پای ما می گذارد، بیرون آوردن ابزار تولید و حق سرمایه گذاری از دست بخش خصوصی و سپردن آن به بخش دولتی اقتصاد است. تا زمانی که سرمایه گذاری بخش خصوصی در جامعه وجود دارد، عبارت دیگر تا زمانی که سرمایه داری صحنه اقتصاد ایران را جولانگاه خود قرار داده، هرگز نمی توان انتظار داشت که بهره - که چون خون در تن سرمایه داریست - حذف شود. انتظار حذف بهره (ربا) در این نظام مانند انتظار زنده ماندن ماهی خارج از آب است.

یک نکته سیاسی: وزیر امور اقتصادی و دارائی در مصاحبه تلویزیونی، اندر باب نظام جدید بانکی و حذف بهره داد سخن داد و روزنامه ها اعلام داشتند که این عمل برای اولین بار در جهان صورت میگیرد. لازم است درباره این جریان قطعی چند نکته را متذکر شویم. الف - تصمیم برای حذف بهره، برای اولین بار در ایران گرفته نمی شود، بلکه قبلاً کشورهای نظیر مصر و پاکستان دست به چنین کاری زده بودند و عملاً نتوانستند از این راههای رفورمیستی (با حفظ نظام سرمایه داری) به جامعه فسط توحیدی دست یابند.

فلسطینی ها در مبارزه و بی کفایتی دول عرب در حل مسئله آوارگان و اشغال سرزمین آنها توسط " دولت صهیونیستی و بگفته یکی از رهبران الفتح " مانعاً عدم شده ام که هیچ کس قادر نخواهد بود کاری بنفع ملت ما انجام دهد پس مصمم کسبم خود سرنوشت خویش را بدست بگیرم. "

گروه دانشجویی " در ناهره هر کدام دریکی از کشورهای منطقه خلیج فارس به کار مستعمل میشوند. فاروق تدوینی، مهندس نفت در عربستان، کمال ادوان در قطر، کمال حسن (ابو سعید) معاون شهرداری در کویت و بالاخره یاسر عرفات



با عنوان مهندسی در کویت مسعول کار شدند، مهاجرت به منطقه خلیج ادامه می شکل سازمان الفتح را تسریع میکند. هسته های الفتح در کویت شکل گرفته دانندی آنها نامارات عربی کسرس می باید، و از همان آغاز الفتح میکود تمام جوانان فلسطینی که در کشورهای منطقه بکار با تحصیل مستولند منگسل کند.

روزنامه ی فلسطینیا " فلسطین ما (مرور، اصول جنبش جدید را منتشر و اعلام میکند:

۱- سرزمین فلسطین بازگردانده خواهد شد مگر با مبارزه مسلحانه توسط خلق فلسطین و عرب که در میدان نبرد وحدت خواهند یافت.

۲- جنبش باید مستقل بوده، نباید تحت نفوذ و کنترل هیچ کشور عرب یا حزب سیاسی قرار گیرد.

۳- نباید زندانی ایدئولوژی مسلکی بود، زیرا تجمع تمام عناصر فلسطینی از اولویت زمانی برخوردار میباشد.

۴- باید دولت های عربی که برای منافع خود بیش از مسئله فلسطین اهمیت قائلمند، خواست که در کنار قرار گرفته بگذارند که جنبش فلسطین آزادانه عمل کند. از طرف جنبش قول داده میشود که در امور داخلی دولت های عرب دخالت نخواهد شد.

۵- هدف آزاد ساختن تمامیت ارضی فلسطین و یابود کردن ساختمان اقتصادی سیاسی، نظامی، اجتماعی و هویتی صهیونیستی میباشد.

روزنامه ی فلسطینیا شعار " آزادی فلسطین راه وحدت اعراق است " میدهد در صورتیکه شعار کشورهای جهان عرب " وحدت اعراق اول، آزادی فلسطین دوم " میباشد.

ادامه دارد

ب - ما از طراحان این سیاست میخواهیم که بطور صریح و روشن و مسئولانه در برابر خلق اعلام کنند که بهره هنوز حذف نشده است، تا توده های بیکه خون خود را برای انقلاب اسلامی و اجرای مقررات اسلامی از جمله حذف واقعی و کامل بهره - داده اند، بخاطر این دو دوزه بازیها سرخورد ننهند و احساس نکنند که کسانی با آنها دروغ میگویند. ج - با توجه به اینکه رژیم گذشته برای تحکیم سلطه استعمار نو در ایران، نظام پولی و ارزی کشور را وابسته به سیستم پولی کشورهای امپریالیستی نمود، انتظار می رفت که دولت موقت، خیلی زود با بررسی همه جانبه نظام پولی و ارزی و ایجاد دگرگونی در این نظام، امکانات این بخش را در راه رهاختن اقتصاد ملی از وابستگی بکار گیرد. ولی در عمل ماهها پس از پیروزی انقلاب، هیچگونه تغییری در سیستم پولی و ارزی به عمل نیامد و وابستگی ما به کشورهای امپریالیستی ادامه یافت. اکنون از طراحان جدید سیاست اقتصادی و پولی کشور می خواهیم که بجای ظاهر سازی و تغییر نام ها، بدنبال اعلام قطعی راطهریال با دلار، با بررسی همه جانبه نظام پولی و ارزی و ایجاد دگرگونی در این نظام، اقتصاد ملی را از وابستگی به امپریالیسم برهانند و تابع مقررات بین المللی امپریالیستی نظیر مقررات صندوق بین المللی پول - که زیر سلطه آمریکا است - نباشند. اگر نتوانیم به این مقررات امپریالیستی " نه بگوئیم، چگونه میخواهیم استقلال انقلاب اسلامی و ملی خود را بجهانیان اعلام داریم.

نابودی فتودالها از

بقیه از صفحه اول



اینکه در نقاط حساس چون کردستان و بلوچستان با مسلح کردن فتودالها زمینه را برای قتل‌های زورگویی و برای فعالیت ضدانقلابی آنان بازتر نمودند. دهقانان و کشاورزان که از برکت «اصلاحات ارضی» شاهانه هستی و نیستی شان را بسپارده و در اطراف شهرهای بزرگ بی‌بهره‌ها، حلی‌آباد، گودها را بر کرده بودند، زودتر از هر کس فرمان امام را لایک گفته و صفوف انقلاب تشکیل دادند. اما آنچه که نشد و اصولاً نتوانستند که بشود، بقدرت رسیدن مستضعفین و اعتماد و تکیه بر آنان بود. متأسفانه در اکثر اوقات در این مدت ده‌ماهه، مسئولین امور و دولت موقت از مردم بعنوان سیاهی لشکر و صرفاً برای تظاهرات و راهپیمایی استفاده کردند. اما حاضر نشدند آنان خود حاکم سرنوشت خود گردند.

اگر فتودالها محاکمه و محکوم و مجازات میشدند و دهقانان شتمکتبیده، این صاحبان اصلی مزارع به زمین‌ها باز میگشتند. اکنون و در آینده کشاورزی دوران شکوفایی خود را طی میکند و در اندک مدتی ما را بعد خودکفائی می‌رساند.

میدان‌دان به فتودالها و خان‌ها نه تنها زمینه‌های بدبینی و بی‌اعتنایی به انقلاب و امام و مکتب را در توده‌ها ایجاد میکند، بلکه آن‌سوخته و الگویی که مسلمین و مستضعفین در انتظارش چشم به‌ایران دوخته بودند ارائه نمشد و به‌یأس و بسوجی منبیل میگشت. مضافاً بر اینکه باوه‌گویان فریاد برمی‌آوردند که «اسلام حامی ملاکین و سرمایه‌داران است».

اما حرکتی که از جندی پیش با همت آقای رضا اصفهانی شروع شده، توانست در اندک مدتی حمایت توده‌های دهقانی را جلب نماید، چنانچه در جهت خلع ید کامل از فتودالها و ملاکین بزرگ و بازگرداندن زمین‌ها به صاحبان اصلی آنان یعنی دهقانان و کشاورزان ادامه باید، خواهد توانست گامهای موفقی در جهت هدفهای انقلابی امام و امت بردارد. مقننیت این حرکت را میتوان از حرکات و تظاهرات مذهبانه و ضدانقلابی ملاکین ز الوصفت در یافت که با جمله به کشاورزان بیدفاع و غارت محصولات و اموال آنان چهره ضدانقلابی و ضداسلامی خود را نشان دادند و میدهند. نناگویان دیروز آر یامهری ناگهان «مسلمان» و «انقلابی» از آب در آمده و با برچسب «کمونیستی» و «ضدانقلابی» به وزیر کشاورزی و کشاورزان حق جو حمله‌ور شده و با ارسال تلگرافهای بلندبالا به هر جا سعی دارند بیخالی خام خود آب رفته را بسجی باز گردانند.

شکل‌گیری توطئه‌های خائنین

حادهای که در منطقه فارس برای عشایر دره شوری و سایر مردم مستضعف رخ داد، نشان از جریان شکل‌گیری توطئه‌های خائنین و مزدورانی میکند که با پشت گرمی و اتکالی به عناصر معلوم‌الحسابی در مراجع و مراکز تصمیم‌گیری و اجرائی که بارندی و زرنگی خاصی خود را در این قبیل مراکز جا داده‌اند و پلوا و آشوب بیا کنند. برای روشن شدن قضیه و نشان دادن میزان گستاخی و بی‌پروائی و سرکشی‌های این قبیل عناصر کمی به عقب باز میگردیم.

ما از همان سالهای ۴۵ با شکایتهای مکرر و متعدد توانستیم از صدور پروانه چرا برای خوانین محلی جلوگیری بکنیم. بعد از پیروزی انقلاب فکر میکردیم دیگر دست این‌ها را از سر ما کوتاه خواهند کرد. اما زمانی که همه چیز را برآورد سابق دیدیم، بخصوص که متوجه شدیم پروانه چرا صادر میکنند، شکایت‌بازی را از سر گرفتیم تا شاید از صدور پروانه برای خوانین ممانعت بعمل آوریم. اما علیرغم تلاش‌ها موفق نشدیم. در عوض نامه‌ای عتاب‌آمیز از خسرو قشقائی دریافت کردیم که شما بچه‌های حقیقی زمین‌های قره‌دشت را تصرف کرده‌اید. آنها متعلق شما نیست. دوندگی‌های ما بجای نرسید، ولی باعث تأسف است که خسرو قشقائی با نامه‌ایکه باستانداری نوشت که ما در آنجا حق نداریم، با توجه به عواملی که خود را در آنجا و اداره جنگلداری از وی حمایت میکنند. توانست از اداره جنگلداری تا وجود عواملی که خسرو قشقائی در ادارات داشت و طرفداریکه از فتودالها صورت میگرفت عملی نشد. ما برای مقاومت در مقابل چنین اقداماتی به‌توصیه اداره جنگلداری شکایتی تسلیم استنادی کردیم و قرار شد آنان با تشکیل شورائی از نمایندگان دادگاه، سپاه پاسداران، رکن ۲ و چند اداره دیگر به‌خواست‌های ما رسیدگی نمایند.

جمع‌آوری شدند و توطئه‌چینی‌ها علیه ما شروع شد. تا اینکه از طریق رئیس پاسگاه که از آنان طرفداری میکرد از قصد حمله آنان مطلع شدیم. ما به پاسگاه رفتیم و گفتیم چرا همانطور که گوسفندان غلامرضا پهلوی و هیز بزدانی در اینجا نگهداری میشوند، گوسفندان ما نباید حفاظت و نگهداری کردند. این مسئله که به‌خوانین گران آمده بودند ما را در حضور رئیس پاسگاه بیهوده فحش و ناسزا گرفتند حتی یکی از آنها بنام غلامرضا بهرامی گفت ما دوست تشنگی برای سر کوبی شما آورده‌ام. این خانها که هر کدام از جاها و طایفه‌های مختلف آمده بودند هدفی جز سر کوبی ما نداشتند. وقتی که معلوم شد آنان حمله خواهند کرد عده‌ای شبانه محل را ترک کردند. ولی ما ماندیم و عده‌ای از دره‌شوری‌ها که از جریان حمله مطلع شده بودند برای حمایت از ما در مقابل مهاجمین و فتودالها بجا بیستند. ملاکین و اعوان و انصارشان پیش از ۱۸۰ مائشین افراد مسلح بودند. حمله آنها و مقابله با مهاجمین از صبح تا غروب ادامه یافت در اثر تاریکی

● نناگویان دیروز آر یامهری ناگهان «مسلمان» و «انقلابی» از آب در آمده و با برچسب کمونیستی و «ضد انقلابی» به وزیر کشاورزی و کشاورزان حق جو حمله‌ور شده.

● حادهای که در منطقه فارس برای عشایر دره شوری و سایر مردم مستضعف رخ داد، نشان از جریان شکل‌گیری توطئه‌های خائنین و مزدوران میکند.

خوانین به‌محض اطلاع به‌استنادی آمده و در آنجا به‌وکیل ما آقای جوادعلی فولادمند حمله‌ور شده و او را مورد ضرب و شتم قرار دادند و قبیل از اینکه بدستور استنادار بازداشت گردند قرار نمودند.

حمله چگونه صورت گرفت

بعد از مراجعت اکیب اعزامی قرار شد یک هفته بعد به‌تیراز رفته و جواب بگیریم اما بعد از ۱۰-۱۲ روز معطلی نامه‌ای از خسرو قشقائی دریافت کردیم. نامه‌ای گستاخانه که «شما بچه‌های حقیقی این مراع فرودشت را تصرف کرده‌اید» آنها نامه‌ای از طرف فردیکه ۲۵ سال در ایران نبود و تازه آنوقت هم که بود هرگز در منطقه دیده نمیشد در شهرهای بزرگ در بهترین خانه زندگی میکرد در حالیکه ما کشاورزان نه خانه درستی داشتیم نه زندگی مناسبی. به‌رحال به‌منطقه باز گشتیم و بعد از نامه‌ایکه به‌رئیس پاسگاه نوشتیم، با اطلاع او یک قتل‌اق از پنجاه قتل‌اق زمین را که علف‌هایش را نیز چرانده بود برای سکونت خود و گوسفندان خویش انتخاب کردیم.

خوانین بهرامی که عمدتاً در تهران و اصفهان بودند بعد از اطلاع از جریان توسط خسروخان قشقائی

آقای ربانی بکوه رفته است. ما بناچار به‌استنادی رفتیم و آقای استنادار برای ما از آقای ربانی وقت گرفتند. اما وقتی بدین ایشا رفتیم، گفتند که «من که در محل آمدم چطور شما را ندیدم». گفتیم شما میهمان خوانین بودید. امکان ندانست ما را ببیند. ایشان گفتند فردا باید از طرف خودم و آقای دست‌غیب بفرستیم تحقیق کنند. اصلاً اینطوریکه شما میگوئید دروغ است خوانین که آنجا را ترک کردند، چطور چنین چیزی ممکن است؟ ما گفتیم ولی الان که خوانین در محل نیستند. آنجا را ترک کرده‌اند. البته در این بین یک گروهی هم به‌خانه آقای دست‌غیب رفته و بسا کمک‌ها و راهنمایی‌های بیدریغ ایشان روبرو گشته بودند. ایشان گفتند در حالیکه عده‌ای فتودال به‌اسم مستضعف در استنادی شیراز تحصن میکنند، شما هم بهتر است به‌تهران رفته و با شورای انقلاب تماس بگیرید. در ملاقات با شورای انقلاب ابتداء دکتر حبیبی، یزدی و بهشتی با ما صحبت کردند.

دکتر یزدی میگفت که ما باید لفظی با خسروخان صحبت بکنیم. و شما بهتر است برگردید تا در منطقه صلح و صفایقرار باشد یعنی ایشان پیشنهاد میکردند که ما با صحبت و مذاکره و سازش مسئله را حل بکنیم. ولی ما معترض شدیم و گفتیم که باین‌ها قدرت ندهید. این‌ها کسی نیستند و آقای دکتر بهشتی می‌گفتند اگر ما اصلاحات ارضی را شروع بکنیم خرده‌ها ایجاد شده و کشاورزی ایران از بین میرود. و اینکار باید در مراحل چند صورت گیرد.

در حالیکه به‌عقیده ما اینطور نیست، خوانینی که در تهران و..... زندگی میکنند حق ندارند، این مائشین که تولید می‌کنیم و رنج می‌بریم، محصول مال ماست. نه مال آنها.

ظالم، ظالم است

برای روشن شدن مسئله کمی به‌عقب بر میگردیم. تابستان گذشته که ناصر قشقائی از آمریکا بازگشت، در صدد برآمد تا بسا جمع‌آوری دهقانان همان روال گذشته را ادامه بدهد. اما هیچکس زیر بار نرفت چرا که معتقد بودند، ظالم، ظالم است هر چند تغییر لباس بدهد. از اینجا بود که توطئه‌ها شروع شد. از همان ابتداء قرار شد بعد از مسافرت آقای طاهری به‌سیرم یک شورای پنج‌نفری به‌خواست‌های کشاورزان رسیدگی بکند. در همین هنگام ناصر و خسرو قشقائی هم به‌منطقه می‌آیند. کشاورزان برای شکایت به‌امام بقم می‌روند و این تضاد را شدیدتر میکند، بطوریکه خوانین و در رأس آنها عناصری چون اسفندیار و سهراب پناه‌پور و جهانبگیر، ایباز، محمدحسن، دره‌شوری و فرهنگ و جعفرقلی پناه‌پور و... با تعداد زیادی افراد مسلح به‌دهکده عنق آباد حمله میکنند. با آمدن ناصر و خسرو به‌منطقه و سخنرانسی‌های اغواگرانه ناصرخان و معرفی کشاورزان حق طلب بعنوان عناصر کمونیست، عده‌ای را بر علیه ما بسیج

میکند که این عناصر با افتضاری و سخنرانی دو نفر از برادران ما یعنی نیا علی و علاءالدین موسوی ختلی میگردد و توطئه‌ها از همین‌جا شکل می‌گیرد. این باعث شد که خوانین نامه‌ای به‌ناصرخان نوشته و اعلام میدارند که:

حضور محترم حضرت مستطاب اجل جناب آقای محمدناصرخان قشقائی اینجانبان داسداران طسایفه بهرامی کسفایی که عده‌ای بسرکردگی کساکافی، محمدحسن و آقاجان افشاری به‌تحرک عوامل کمونیست و ضدانقلاب، مانند الله‌قلی جهانبگیری و ساسان ترک و جوادعلی فولادمند کارمند اداره آموزش عشایر علیه اینجانبان توطئه می‌نمایند این نامه به‌امضای تعداد زیادی خوانین از جمله اسفندیار، بهرام، فرج‌الله علمدار، غلامرضا، محمد، حیدر، بهمن و مظفر بهرامی نوشته میشود.

می‌بینیم که چطور این قبیل عناصر که منافع‌شان به‌خطر افتاده، کشاورزان و دهقانان ستمدیده را عوامل کمونیست و ضدانقلاب معرفی میکنند. ناصرخان با پشت‌گرمی که از کوتاه آمدن مسئولین امور در مقابل سرمایه‌داران و فتودالها بدست آورده نامه‌ای عتاب‌آمیز نوشته خطاب به‌آقایان کساکافی، محمدحسن و بابا افشاری و... «اعلام میدارد که آنان حقیقی در زمین‌ها ندارند و شما با این قبیل اعمال ایجاد اغتشاش در منطقه میکنید که این اعمال جز از ضدانقلاب سرنمی‌زد. بوجوب این نامه به‌افراد تابع خود اکیداً قدغن نمایند که مزاحم آقایان بهرامی نشوند و خودتان هم پس‌فردا نزد اینجانب حاضر شوید. اگر مسرتب اعمال خلاف قانون بشوید تسلیم محکمه شده و مجازات خواهید شد.» طبیعی است که کساکافی و دیگر مرکزیت انقلابی و یک مرکز تصمیم‌گیری و اجرائی متعهد اجازه چنین گستاخی را به‌این قبیل عناصر داده است.

هشدار به مسئولین

ما به‌مسئولین امور هشدار میدهم که با طرحهای انقلابی و اقدامات مردمی به‌خواست‌های بحق دهقانان و کشاورزان رسیده و دست فتودال‌ها را از سر آنها کوتاه کنند. مطمئن باشند تا این‌ها و سایر عناصر فتودال آزاد میگردند امکان توطئه در هر منطقه‌ای هست. اگر شعار مبارزه با فتودالیسم را مطرح می‌کنیم، عمل نیز بکنیم. و اگر قبول داریم که محصول مال کشاورز است و تولید متعلق به‌کسی است که روی زمین کار میکند و اگر معتقدیم که ازرع للزارع ولو کان غاصباً (محصول زراعتی مال زارع (تولیدکننده) است حتی اگر در زمین غصبی باشد). هرچه زودتر در جهت تحقق خواست‌های مکتبی اقدام انقلابی بکنیم. با اعتماد به‌مقد و تکیه بر توده‌ها، دست مزدوران و سرمایه‌داران را کوتاه سازیم و تاووم انقلاب را ضمانت کنیم.



آقای والد‌هایم تأیید کننده سیاست‌های امپریالیستی آمریکاست. مگر میشود این سیاست‌ها را نشاناسد و برای تحقیق بایران بیاید.

آیا مبارزه ضدامپریالیستی، مسئله ایست که باید سازمان ملل حلش کند؟

آیا مبارزه ضدامپریالیستی یک دعوی حقوقی است که سازمان ملل مربوط باشد؟

(کیهان ۱۳ دی ۵۸)

اگر سازمان ملل حتی یک عملکرد انسانی به‌نفع خلق‌ها آنهم بدور از حساب‌ها و نقشه‌های امپریالیست‌ها و جهان‌خوران داشت، چنین انتظاری از آقای والد‌هایم غیر منطقی به‌منظر نمی‌رسید. اما زمانیکه ماهیت این سازمان برای خلق‌ها روشن است، زمانیکه همین آقای والد‌هایم در بسجوه کنتارهای وختیانه رژیم پهلوی، سلامتی آر یامهر پلید لیوانهای شراب را بالا می‌برد، کسی که در مقابل فریادهای مرگ بر شاه مردم و صدای توپ و تانک و مسلسل و قتل‌عام مردم بیگناه ما کوچکترین عکس‌العملی به‌خرج نمیدهد و کسبیکه بخاطر اعدام هویدای خائن فریادش بلند میشود که حقوق بشر نقض گردید. کسبیکه عمل انقلابی دانشجویان ما را محکوم میکند، چطور میتواند مردی آرام و با حسن‌نیتی باشد! در حقیقت

والدهایم، دلال رسوای

بقیه از صفحه ۱

● آیا مبارزه ضد امپریالیستی یک دعوی حقوقی است که بسازمان ملل مربوط باشد؟

مذاکره و گفتگو برای ایجاد جبهه‌سازش و تسلیم‌پذیری در برابر اراده قاطع و یکبارچه خلق و ایجاد انحراف در مسیر مبارزه، در شرایط فعلی از شیوه‌هایی است که آمریکا بشدت دنبال میکند. هر چند گاه جاسوسی، خود فرسوختمای تحت‌عنوان افراد مستقل؛ به‌ایران آمده و از این رهگذر به‌اسانسی اطلاعات لازم را برای «سپاه» جمع‌آوری کرده تا اجرائی نقشه‌های شوم آمریکا در آینده دچار اشکال نگردد. سازمان ملل متحد؛ که ماهیتش پیش از بیش بر همگام بخصوص برخلفهای تحت‌ستم روشن است، بسارها توسط امام ماهیت عروسکی و پوشالی‌ها را که ملعبه دست امپریالیست و جهان‌خوران است افشا شده است.

در حالیکه امام بسارها قاطعیت و سازش‌ناپذیری خود را در مورد اینگونه مذاکرات اعلام داشته، اما بسا کمال تأسف می‌بینیم دست‌اندرکاران امور و اعضای شورای انقلاب که داعیه پیروی از خط امام! دارند خود در زمره اولین کسانی هستند که در نقاط حساس و کلیدی انحراف از خط امام را جایز دانسته و عملاً در خلاف مسیر امام و امت گام بر میدارند. و این در حالی است که امام هرگونه مصالحه را برای آزادی گروگانها یا میانجیگری رد میکند و اعلام میدارد که:

«میخواهیم به‌تمام مردم جهان بگوئیم که هرگز بین ظالم و مظلوم میانجی نشوند و می‌خواهیم کسی چنین ظلمی را مرتکب نشود و از این جهت میانجیگری را نپذیرفته‌ایم و نخواهیم بپذیرفت»

این است منطقی که در آن مصالحه و میانجیگری را راهی نیست. خطی که مصالحه و سازش را نه‌تنها محکوم میکند، بلکه تن دادن به‌آن را در اعناده «ظلم» قرار میدهد. همانگونه که مبارزه با امپریالیسم را شکل مکتبی می‌بخشد، مصالحه و سازش را نیز در چارچوبی مکتبی و قرآنی - ظلم - محکوم میکند. چرا که چشم دوختن به‌سازمان ملل آنهم برای حل مسئله، نه‌تنها عدم شناخت خود مسئله یعنی مبارزه ضدامپریالیستی و نه‌تنها قرار گرفتن در نقطه مقابل و خواست رهبری و خلق که اساساً اصالت دادن به‌سازمان ملل و ماهیت انسانی و بشری برایش قائل شدن است.

جای تأسف است که آقای وزیر امورخارجه در گفتگوی خود با والد‌هایم اعلام میدارد که: «اگر سازمان ملل واقعاً علاقمند به‌حل مسئله است و می‌خواهد مراتب بشردوستی خود را به‌نبوت برساند بایستی مسئله را با توجه به‌تمام ابعاد آن در نظر بگیرد

در حقیقت والد‌هایم تأیید کننده سیاست‌های امپریالیستی آمریکاست. مگر میشود این سیاست‌ها را نشاناسد که بیاید ایران تحقیق کند؟ نه، این یک چیز ذهنی است و باز یک فریب است و ما مطمئنیم که این سفر کارساز نیست و بدرد مردم ما نخواهد خورد.

دانشجویان پیرو خط امام

تضاد بین فزون خواهی و

بقیه از صفحه اول

نیست اگر خنث طلاروی خنث بگذاری. ایسودر خنثناک از گستاخی آن یهودی منافق با استخوان شتر بر سرش کوبید و فریاد کشید: خفه شو، از چه وقت تو منافق دشمن دین، آموزگار و فقیه و محدث گشته‌ای؟ آری استدلال ابوهریره سالهای سال و قرنها و تا کنون مستمسک برومتندان و زراندوزان برای توجیه عمل حرام و هتوی کردن کتظ شده است. آنها فراموش کرده‌اند که اگر مالی حرام باشد، تصاحب و ینا نگهداری یک بشیز آنهم گناه کبیره است. مال حرام در ملکیت کسی در نمی‌آید تا بتوان کتظ نمود. مال حرام که از راه استنثار، دزدی و معاملات و تجاروت نامشروع کسب میشود - باندازه، یک پال مگس باشد - حرام است. صحبت در ذخیره و نگهداری مال حلال است. مالی که از راه کار بدست آمده.

سرنوشت مال و مالکیت‌های نامشروع

سرنوشت مال و مالکیت‌های نامشروع را امام علی بن ابیطالب در اولین روز خلافت تعیین کردند. طبق فرمان امام همه اموال و دارائیهها و اراضی که به‌ناحق به‌اشخاص داده شده و یا تصاحب گردیده و اکنون در دست اشراف و سرونندان است، بساید بی‌چون‌وچرا تا آخرین درهم حتی اگر به‌گایین زنان رفته و بسا آن کسبوز و غلام خسریداری شده باشند، به‌صاحبان اصلی آن که مردم‌اند بساز گردند همین قاطعیت در اجرای فرمان خدا و اصول و قوانین جامعه توحیدی، برومتندان را در برابر علی قرار داد و یک‌یک سر از طاقت و بیعت وی باز زدند و دشمنی و توطئه‌چینی آغاز نمودند. دشمنی با حکومت علی دنباله خصومت و نزاع بین ابوذرها و اشرافیت زخم‌خورده عرب بود که اکنون در پوشش اسلام و با توجیهات شرعی می‌کوشید حاکمیت و مالکیت جدیدی کسب کند و امتیازات گذشته را تجدید نماید.

صریح‌ترین احکام، انقلابی‌ترین قوانین و مترقی‌ترین اصول به‌آسانی میتواند مستمسک طبقات و قشرها و عناصر سوذجو و قدرت‌طلب قرار گیرد. این فاجعه در تاریخ فقط برای یک بار اتفاق نیفتاد که هنوز خاک از خون شهیدان پدرو اهد و حتی مرطوب و گرم است. و هنوز فریاد رسول خدا و کلمات آسمانی قرآن و وحی در گوشها طنین‌افکن است که نیروهای ضد مردمی و عناصر زراندوز و قدرت‌طلب، بسپام انقلاب و عصای جنبش الهی را بصورت چماقی علیه فرزندان راستین انقلاب در می‌آوردند و آنرا در خدمت خویش میگيرند و فریاد حق طلبانه علی و یساران انقلابی و وفادار به‌مکتب را به‌انهاهم توطئه، اتوب، نفاق‌اندازی و شق‌عصای مسلمین و خروج بر دین و خلیفه و حکومت بر حق و انحراف از راه و سوسه قدرت و جاه و مقام و اتهاماتی از این قبیل از میدان بدر می‌کنند یا بر سر دار می‌برند.

دعواها و اختلافات بر سر اسم الله و حجم و جلد و ظاهر قرآن و نام پیامبر یا نسی رسالت وی و بر حق بودن وحی و فرشتگان و غیب نبود نیست، دعوا بر سر مفهوم واقعی و عینی و اجتماعی این حقاین و اصول است دعوا بر قبول و یارده خدا نیست، بر عینیت اجتماعی توحید است. آنان هرگز با خدای نشسته در آسمانها مخالفتی نداشتند. آنها با این امر مخالفند که بخواهی توحید را جهان شمول کنی و تعریف آنرا در یک جمله بیروح جز الله خدایی نیست، خلاصه و محدود نکنی، اگر خواستی توحید را در وحدت هستی و تابعت از یک اراده و قانون و یک نظم خلایق و جهت‌دار و هدف‌دار و در مفهوم اجتماعی آن در زندگی و در مناسبات اجتماعی تعریف کنی، اگر خواستی توحید را تحقق عینی اجتماعی ببخشی، چرا که توحید یک قانون عام و جهان‌شمول است. همه قلمروهای هستی را فرا می‌گیرد و جامعه انسانی را نمیتوان جدا از حیطة حاکمیت آن قرار داد، مخالفتها شروع میشود زیرا در تحقق عینی توحید در جامعه، طبقات استثمارگر، برده‌دار، مالک، سرمایه‌دار، سلطه‌گر جاتی ندارند.

توحید اجتماعی، وحدت و برابری انسانها را ایجاب میکند. مالکیت و حاکمیت الله را ایجاب میکند و عدل اجتماعی و آزادی را. توحید بمعنای حاکمیت اراده و قانون و سنت خدا بر تمام شئون زندگی است. این حاکمیت در همه هستی برقرار است. بخواهیم یا نخواهیم آسمانها و زمین و همه پدیده‌های درون آنها از سنت واحد الهی پیروی می‌کنند و بسوی او در حرکت‌اند.

مسئولیت انسان

مسئولیت انسان تحقق بخشیدن به‌این سنتها در زندگی اجتماعی و در روابط درونی جامعه است. این بمعنای پائین آوردن خدا از آسمانها و نفوذ دادن آن در تمام شئون زندگی است یعنی حاکم کردن اراده خدا در سیاست، اقتصاد، حکومت، فرهنگ، کسب و معانی و روابط جامعه است. اگر در هستی بر طبق اراده خدا هر

جامعه و بردن جامعه در قلمرو حاکمیت و مالکیت عبودیت الله و سنتهای الله. آنگاه جامعه توحیدی میشود که این سنتها حاکم گردند. جامعه و انسانها هنگی بسوی خدا در حال شدن و حرکت باشند و در کره زمین فقط انسان است که مختار و انتخاب‌گراست و می‌تواند از نظم توحیدی هستی سرپیچی کند و از این رو رسالت وی تحقق بخشیدن به‌توحید و حرکت توحیدی بسوی الله در زندگی شخصی و اجتماعی است. برپائی جامعه توحیدی است و از این رو می‌باید در مقدمه قانون اساسی جامعه انقلابی اسلامی، حرکت بسوی استقرار جامعه توحیدی در صدر قرار میگرفت. تحریم کتظ مخالفتی است یا یک تمایل و انگیزه

- مادیات برای آنستکه انسان رفع احتیاج کند و توان حرکت و کار و خلایق بیاید و از ضعف و بیماری مصون ماند.
- فزون‌خواهی و میل و عشق بمال، شخصیت انسان را مسخ و چشم حقیقت‌بین او را کور و دلش را سیاه میگرداند.

انحرافی در وجود انسان. هر کس در حال طبیعی به‌همان مقدار از مادیات احتیاج دارد که به‌مصرف می‌رساند، خواستن و طلب کردن تا آن مقدار طبیعی و درست است. بیش از آن یعنی فزون‌خواهی در وهله اول عملی لغو و سپس نادرست و زیان‌بخش است. لغو است زیرا اقدام به‌کاری کرده است که او را سودی (مادی یا معنوی) نمی‌رساند نادرست و زیان‌بخش است زیرا با این کار هم دیگری را محروم ساخته و هم وقت خود را به‌کاری لغو صرف کرده است.

مبارزه اسلام با انگیزه‌های انحرافی

مادیات برای آنستکه انسان رفع احتیاج کند و توان حرکت و کار و خلایق بیاید و از ضعف و بیماری مصون ماند، برای آماده شدن و نیرو گرفتن جهت، حرکت و کار است. و اما تا وقتیکه در حد

بدیده، هر اندازه استعداد و هر استعدادی دارد ظاهر میسازد و بکار می‌گیرد و رشد میدهد و از پرتو وجود خود استعدادهای خوبش را به‌محیط فیض می‌بخشد و می‌گیرد در حد نیاز و مناسب با احتیاجات طبیعی و نه بیشتر... آن اندازه که بر رشد و تکامل وی کمک کند نه از حرکت باز می‌دارد و آن اندازه که توان و نیرو بدهد. برای حرکت سریعتر نه باری شود بر دوش و سنگی بر پای و زنجیری بر دستها و ممانعی در پیش، چرا نباید این قوانین در زندگی من و شما هم بسپاده شود؟ که همه کار کنیم آن اندازه که استعدادهای خدایی در وجود ما امکان می‌دهند. آنها را رشد دهیم، پرتوآفتاب کنیم و بسازیم و تولید کنیم، بی‌آفرینیم و آن اندازه که احتیاج داریم و مایه رشد ما میشود و نیروی حرکت میدهد و توان رفتن و شنن و پرواز کردن، برداریم و مصرف کنیم و مازاد را که سد راه است و باز دارند حرکت و شنن و پرواز رها کنیم و توحید اجتماعی چیزی نیست جز پیاده کردن نظم توحیدی در

امت

می‌بیند و با گوشها می‌شنود، با عقلش سالم و ادراسی برقرار می‌اندیشد که عمر چگونه بسر برده و روزگار چه‌سان گذرانده، اموالی که جمع کرده بسپاد می‌آورد و برای بدست آوردن آنها چشم‌پوشی کرده و از انواع آشکار و مشتبه آن جمع‌آوری کرده، اکنون به‌انسانیت آن دچار گردیده و از جدائی و فراق آن مطلع گشته. این اموال برای زندگان باقی می‌ماند که از آن مستقیم شده لذت ببرند، پس آن اموال بی‌شکست برای غیر اوست و گرانی بارش برای او - اکنون در آستانه مرگ در اثر این خوداگاهی انگشت ندامت در دهان آرزو میکند، کاش این اموال از آن کسی بوده که موقعیت او را آرزو میکرد و بسر دارائی‌اش حسد می‌برد و کاش او آنها را جمع کرده بوده وی و بس از آنچه در دنیا شما را بشگفتی می‌آورد، دوری کنید، زیرا فقط اندکی از آن برای شصت‌سئذیکترین سرا به‌ختم خدا و دورترین از خشنودی اوست.

«فریفته نفیاس آن ننوید زیرا برق آن بی‌باران و کلام آن دروغ تا دار آنهایش بغارت رفته و نفیاس آن رپوده شده است. بدانید که دنیا زین بدکاره‌ای را ماند که خود را نشان دهد و سپس روی گرداند، اسب سرکشی را ماند که وقت رفتن پایسته و فرمان نیرد، دروغگوی خیانتکار و ستیزه‌گر ناسپاس، دشمنی بازدارنده، گریزان ترسرو، مستغیرالحال و گامهایش ناستوار، عزت و بزرگی آن لذت و تلاش و جدیت آن هزل و شوخی و بزرگی و برتری آن پستی و زبونی است، سرای جنگ و غضب و غارت و تجاوز و تباهی است.» آنان که مال و نرت جمع می‌کنند، هرگز پاس دین ندارند»

اگر کسی نتوانست از دنیا به‌همان اندازه که نیاز دارد اکتفا کند، هیچ چیز او را سیر و راهی نخواهد کرد. امام موسی بن جعفر می‌گوید «هر کس می‌خواهد بدون مال بی‌نیاز و قلبش از حسد آزاد و دینش سالم باشد باید از خدا به‌عزازی بخواهد تا عقلش را کامل کند. پس هر کس عقل یافت به‌آنچه کفایتش می‌کند قانع شود و هر کس در حد کفاف قناعت کرد، بی‌نیاز گردیده است و هر کس بدان قانع نشد، هرگز به‌نیازی نرسد»

ادامه دارد

بدین معنا که علاوه بر ۴٪ کارمزد، سود تضمین‌شده‌ای در حدود ۸٪ اخذ خواهد شد، البته در این ابلاغیه، مقدار ۸٪ فقط در مورد عملیات بازرگانی ذکر شده، ولی در موارد دیگر (صنعت، معدن، ...) کمتر از این مقدار خواهد بود. اگر ۸٪ را به ۴٪ (کارمزد) بیفزاییم، در مجموع، فرغ پول در دوران انقلاب برای همان ۱۲٪ دوران طاعتت خواهد بود. می‌بینیم که چیزی تغییر نکرده است.

تسهیلات اعتباری می‌گوید: "از اول سال جاری ۱۳۵۸ احتساب و دریافت بهره از انواع اعتبارات و وامها و سایر تسهیلات

اکنون از طراحان جدید سیاست اقتصادی و پولی کشور میخواهیم که بجای ظاهر سازی و تغییر نامها بدنبال اعلام قطع رابطه ریال با دلار بررسی همه جانبه نظام پولی و ارزی و ایجاد دکرونی در این نظام

اقتصاد ملی را از وابستگی امپریالیسم برهانند

اعتباری حذف و برای جبران هزینه‌های آن بانک کارمزد و سهم سود تضمین شده بشرح زیر منظور دریافت خواهد شد: الف - ... در مورد وامهای اعطایی برای مجتمع‌های مسکونی چند واحدی که به عنوان سرمایه‌گذاری (نه استفاده شخصی وام گیرنده) پرداخت شده‌است، موضوع وام متفاوت بوده و بعنوان یک طرح سرمایه‌گذاری تلقی و حداقل سودی باید تضمین گردد که آن بانک در چهارچوب سیاستهای وزارت مسکن و شهرداری تعیین و دریافت خواهد کرد. ب - ... ضمناً برای برخی از طرحهای کشاورزی آن بانک در چهارچوب سیاست وزارت کشاورزی و عمران روستایی حداقل سود قابل تضمین را محاسبه و بعنوان حق مشارکت در سرمایه‌گذاری دریافت خواهد کرد. پ - ... برای برخی از طرحهای صنعتی و معدنی، آن بانک در چهارچوب سیاستهای وزارت صنایع و معادن حداقل سود قابل تضمین را محاسبه و بعنوان حق مشارکت در سرمایه‌گذاری دریافت خواهد کرد. ت - ... در بخش خدمات چون سود ناشی از عملیات بازرگانی بسیار بالاست و از طرفی تنوع رشته‌ها در این مورد زیاد میباشد، لذا تصمیم بر این گرفته شد که حداقل سود تضمین شده ۶ تا ۸ درصد به تشخیص آن بانک باشد»

همانطور که مشاهده می‌کنیم، بهره (سود تضمین شده) در مورد اخذ وام برای اکثر فعالیتهای اقتصادی از جمله کشاورزی، صنعت، معدن، ساختمان و بازرگانی حذف شده‌است.

گردهمائی

بقیه از صفحه ۳

دادند که «اسلحه‌های سرد و گرم یعنی قلم و بیان و مسلسل را از نشانه‌گیری بسر روی یکدیگر منحرف و بسوی دشمنهای انسانیت که در رأس آن امریکاست نشانه روید.» امید آنکه دست‌آورد گردهمائی جنبشهای آزادیبخش در تهران، مرحله نوبتی در مبارزات ضدامپریالیستی بگشاید و برای شناساندن ایدئولوژی اصیل و انقلابی اسلام و وحدت صفوف انقلابی مسلمین بیاخته‌ست، گام مؤثری باشد.

در شماره ۳۸ امت، مقاله کارنامه اقتصادی دولت موقت انقلاب بصورتی چاپ شد، که مطالبش کلاً "جابجا" شده بود، بخاطر تلفظهای مکرر خوانندگان امت، این مقاله را دوباره در این شماره چاپ می‌کنیم.

کارنامه اقتصادی دولت موقت انقلاب

۱ - سیاستهای کشاورزی

فداوت درباره یک ارگان سیاسی، زمانی میسر است که عملکردهای آنرا در صحنه جامعه مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، و پس از شناسایی اثرات اجتماعی - اقتصادی این ارگان سیاسی، به ارزشهای آن بنشینیم. بررسی تحلیلی مسائل موجود، تنها راهی است که ما را از کلی‌گویی، ساده‌اندیشی و خودفریبی و مردم‌فریبی در امان میدارد و راه بیرون رفتن از مشکلات را پیش روی ما قرار میدهد.

بهبودی از رهنمود فوق، در این نوشته، خواننده بیشتر با یک تحقیق علمی - اقتصادی سرو کار خواهد داشت تا مقالمهای شورانگیز در رد یا قبول سیاستهای دولت سابق. سعی بر این است که کمیت و کیفیت سیاستهای اقتصادی دولت موقت در زمینه‌های گوناگون کشاورزی، مسکن و... با اعداد و ارقام مشخص شود.

ضرورت تهیه چنین گزارشی از آنجا ناشی میشود که برهه تاریخی و حساسی که دولت موقت در آن بسر میبرد، هرگز فراموش خلق قهرمانان نخواهد شد. شور انقلابی خلق آنچنان انتظاراتی از این دولت داشت که هرگز نمیتوان کارهای ضروری انجام نشده و آرمانهای انقلابی تحقق نیافته را فراموشی سپرد. اگرچه رئیس دولت خود را فقط راتند جدیدی برای ماشین نظام سابق میدانست سابق میدانست تا خود را از مسئولیت تغییر و زیر و رو کردن نظام بدور دارد، ولی هرگز توده‌ها خواسته‌های ناپورده خود را فراموش نخواهند کرد و در جهت تغییر وضع موجود باز هم خواهند خروید.

در قسمت اول گزارش، به عملکردهای دولت موقت، در سطح روستاها، میپردازیم. اعداد و ارقامی که مورد استفاده قرار گرفته، اکثر آن روزنامه‌های کثیرالانتشار کشور و با استنادهای آماری سازمانهای مختلف دولتی بدست آمده است.

بازمانده شوم رژیم مخلوع:

سیاست اقتصادی رژیم سابق در کشاورزی، صدرصد ضد دهقانی و بسود سرمایه‌داران بزرگ و سرمایه انحصاری خارجی طرح‌ریزی شده بود. این سیاست، با تسریع مهاجرت دهقانان بسوی شهرها از یکسو، و تشویق رشد نامتعادل سرمایه‌داری از سوی دیگر، منجر به این رفتن کشاورزی ایران شد. و این قانون رشد سرمایه‌داری است که تمرکز ابزار تولید در دست مالکان، دهقانان را از زمین می‌راند و راهی شهر میکند.

طی دوران برنامه پنجم، مهاجرت روستائیان سریع‌تر از پیش بود. سهم نسبی شاغلین این بخش در کل اشتغال از ۲۹ درصد در آغاز برنامه به ۳۴ درصد در پایان برنامه رسید. میزان درصد فهرنشی در ایران پنجم خوبی رویه‌ای افزایش یافت، بطوریکه در استان مرکزی به ۷۹ درصد، در استان اصفهان به ۶۳ درصد و در استان یزد به ۶۰ درصد رسید بعد از استان مرکزی، از نظر رشد فهرنشی، استانهای اصفهان و یزد در درجه اول قرار دارند. این از یکسو ناشی از آسیب‌پذیری کشاورزی این دو استان (بخاطر کنت اسی) و از سوی دیگر ناشی از رشد نامتعادل سرمایه‌داری در این دو استان میباشد. در شهرهای جنوبی ایران با این گونه موارد بیشتر روبرو هستیم. برای نمونه بنا به گزارش یکی از روزنامه‌های کشور، ۸۰٪ کشاورزان بهبهان در گذشته جذب کارهای صنعتی شدند (وابسته صنعت وابسته).

بطور کلی، مهاجرت روستائیان و نابسانی کلی در کشاورزی، طی ۱۵ سال پس از اصلاحات ارضی، کار را بجائی کشاند که کشور را با کمبود کامل مواد غذایی روبرو ساخت. با افزایش درآمد نفت، واردات مواد غذایی از مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۲ به ۱/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ رسید. و این امر وابستگی کشور را پیش از پیش تشدید کرد. در طرح اولیه برنامه پنجم، برای بخش کشاورزی، رندنی معادل ۵/۵ درصد پیش‌بینی میکرد و در تجدید نظر برنامه، میزان رشد ۷ درصد پیش‌بینی شد. اما عملاً این رشد به ۵ درصد هم نرسید.

از طرف دیگر، اصلاحات ارضی، زمینهای مرغوب را در دست بزرگمالکان پسانلی گذاشت و زمینهای نامرغوب را بین روستائیان تقسیم کرد. وامهای کشاورزی، با بهره‌های زیاد (۸٪)، روستائیان را زیر بار قرض قرار داد و آنها برای بازپرداخت وامها مجبور به مهاجرت بشهر و کار در کارخانجات صنعتی شدند گرانی خدمات کنت و فنی (کود پنز، تراکتور و...) و قوانین و مقررات ظالمانه که هم از سوی دولت و هم از سوی ارباب بمروستائیان تحمیل میشد، از مسائلی بود که روستائیان را بهوای "نان آواره شهر کرد" در توجیه خرابی وضع کشاورزی، شاه و مسئولان وقت کسرار آمد جمعیت و رشد مصرف را بهانه قرار میدادند(۱). در حالیکه رشد جمعیت و رشد مصرف همه جا وجود دارد. کشاورزی موفقی آنچنان کشاورزی است که بتواند خود را با رشد جمعیت و رشد مصرف موافق سازد.

سیاستهای کشاورزی دولت موقت

اکتون به بررسی کارنامه سیاستهای کشاورزی دولت موقت انقلاب میپردازیم. در این نوشتار هدف، پاسخ به این سؤال است که در این ۸ ماه گذشته، تا چه حد مسائل اساسی کشاورزی ایران از قبیل مسئله ارضی، ظلم پولی (بهره سنگین وامهای دولتی)، قوانین و مقررات طاغوتی و... حل شده است. قبلاً گفتیم که منابع آماری این گزارش روزنامه‌های کثیرالانتشار و دفترچه‌های آماری سازمانهای دولتی است. باید افزود که در تهیه امار و ارقام صحیح، تهیه کنندگان این گزارش با یک مشکل همیشگی یعنی موجود نبودن امار کافی و مورد اطمینان روبرو بوده‌اند. در سال جاری، کم‌کارهای ادارات و نبودن برنامه مشخص، و در نتیجه عدم انتشار امارهای جدید، این مشکل را چند برابر کرده است. قسمت مهمی از ضعفهای این گزارش را باید بحساب مشکل پادفنده گذاشت و بقیه بحساب فقر علمی تهیه‌کنندگان است.

چشمگیرترین سیاست دولت موقت در بخش کشاورزی، عرفه وام بمروستائیان در ماههای گذشته میباشد. در حقیقت، این، ساده‌ترین راه برای رسیدن بهدنی دسوار است. غافل از اینکه ساده‌ترین راه، همیشه بهترین راه نیست. و اما از طریق بانک تعاون کشاورزی عرضه شده و اکثر او بهره‌های پادفنده: بهره ۶٪ برای اعضای فرکتهای تعاونی و بهره ۸٪ برای روستائیان که عضو فرکته تعاونی نیستند. مدت بازپرداخت وامها مثل سابق ۱۵ سال است. هدف از اعطای این وامها، اسماً و رسماً توسعه کشاورزی است ولی مصارف وامها توسط روستائیان نشان میدهد که قسمت این وامها در راه توسعه کشاورزی بکار نرفته است. و اما معمولاً برای مصارف زیر اعطاء شده‌اند: مصارف جاری، آبپاری، باغداری، دامداری و دامپروری، پرورش طیور و ساختمان و تأسیسات روستائی. حال بهمین در هر مورد چه مقدار وام اختصاص داده شده است. برای نمونه، در سه ماهه اول امسال، جمع کل وام پرداختی و مصارف آن در استانهای بوشهر، مازندران، اصفهان و سیستان و بلوچستان و شهرهای اهواز، ایلام، مشهد، شهر کرد و چهارمحال بختیاری برقرار زیر است:

(جدول شماره ۱)

جمع کل وام پرداختی (برهال)	طرحهای مصارف جاری	آبپاری	باغداری	دامداری و دامپروری	پرورش طیور	ساختمان و تأسیسات روستائی
۱۳۳۱۰۰۰۰۰۰۰	۱۸۷۶۰۰۰۰۰۰۰	۲۲۱۱۰۰۰۰۰۰۰	۶۱۲۰۰۰۰۰۰۰	۱۰۹۰۰۰۰۰۰۰	۲۲۲۰۰۰۰۰۰۰	۲۶۰۰۰۰۰۰۰۰

مأخذ: شماره‌های روزنامه جمهوری اسلامی در شش ماه اول سال جاری

مبلغ پرداختی جهت طرحهای نظارت شده، در مقایسه با کل وام قابل توجّه است. ارقام فوق نشان میدهد که وامهای نظارت شده، درصد کمی از کل وام را تشکیل میدهد. بدین معنا که در این سه ماهه، وام پرداختی جهت مصارف نظارت نشده (در مناطق مذکور)، کمتر از کل وام پرداختی بوده است. این واقعیت نشان میدهد که وامها فقط بعنوان قرض مسکن برای دههای روستا بکار میرفته و هرگز تحت یک برنامه کلی نظارت شده برای احیای کشاورزی، اعطاء نشده است. از سوی دیگر، وام جهت مصارف جاری، رقمی فوق‌العاده را نشان میدهد و مقدار آن از تمام موارد دیگر (آبپاری، باغداری و...) بیشتر است. با توجه باینکه وام برای مصارف جاری معمولاً بصرف توسعه کشاورزی نمیرسد، بلکه برای خرید وسایل منزل، جهیزیه عروس، پرداخت قروض و... مصرف میشود. باین نتیجه میرسیم که اکثر این وامها که مقادیر قابل توجهی را تشکیل میدهند، در اصل روستا یعنی و رفکتهای کشاورزی را درمان نکرده‌اند.

بهمین ترتیب، در ۶ ماهه اول سال جاری، مجموع وام پرداختی برای مصارف جاری، در استانهای همدان، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان و اصفهان: شهرهای بوشهر، گناباد، شهر ری، چالوس، خوی، بوکان، گلباگان و فلاورجان، معادل ۱۱۶۷۲۰۰۰۰۰۰ ریال بود که حدود ۱۰٪ کل وام پرداختی را تشکیل میدهد. این ارقام نشان دهنده اینست که در ۶ ماهه اول سال جاری، حدود نیمی از وامها در راه توسعه کشاورزی صرف نشده، بلکه در راه مصارف جاری، بهدر رفته است. از سوی دیگر اگر متوجه این موضوع بانیم که قسمتی و گاه تمام وامی که یک روستائی جهت مصارف آبپاری، باغداری و... میگیرد بصرف مورد واقعی خود نمیرساند، باین نتیجه خواهیم رسید که قسمت اعظم پولی که بانک تعاون کشاورزی در ماههای اخیر سرازیر روستاها کرده، هرگز در خود روستا سرمایه‌گذاری نشده، بلکه از دوباره از راههای مختلف (خرید کالاهای مصرفی و... توسط روستائیان) بشهر بازگشته و وارد جریان اقتصاد سرمایه‌داری وابسته شده است.

سیاست کشاورزی دولت موقت انقلاب، نشان میدهد که کارگذاران وزارت کشاورزی پیرو تئوریهایی کار افتاده اقتصاد سرمایه‌داری بودند. بر اساس نظرات اقتصاددانان غرب، برای رهایی از رکود اقتصادی باید پول به سیستم تزریق کرد تا ارگانهای مختلف اقتصادی به حرکت درآید. در حالیکه عدم کارائی این تئوریهها پیویزه در کشورهای توسعه نیافته ثابت شده، باز هم کارگذاران کهنه اندیش سابق، سعی داشتند از همان روندهای سرمایه‌داری استفاده کنند و باریختن پول در روستا، بدون هیچ برنامه مشخصی، روستا را آماده شده تصور کنند. باید افزود که تحولات سیاسی اخیر در ایران، نشان داد که نه تنها بعضی از تصمیم‌گیرندگان دولت موقت دارای افکار سرمایه‌دارانه بودند و در تحلیل خود از اقتصاد ایران دچار اشتباه شده بودند، بلکه بعضی دیگر، سرسپرده بسوده و بسعد نسابودی کشاورزی (و کل اقتصاد) ایران را میخواستند! پولی که بدین ترتیب بمروستا تزریق کردند نه تنها بیکاری را برطرف نکرد و نه تنها سطح تولید کشاورزی را بالا نبرد، بلکه تورم و نیز فروش کالاهای مصرفی غرب را در ایران، افزایش داد. لازم بتذکر است که اگر در بعضی نقاط کشور تولید کشاورزی نسبت بهسال گذشته افزایش نشان میدهد، معمولاً ناشی از تشویق‌های امام بامر کشاورزی و نیز ترس مردم از محاصره اقتصادی درآینده است.

مطلب دیگری که اهمیت دارد اینست که در برنامه دولت، پرداخت وام برای موارد مهم و حساسی نظیر قالی‌بافی و صنایع دستی در درجه اول اهمیت قرار نگرفته است. در حالیکه با بهران بیکاری، کاهش تولیدات داخلی و مهاجرت روستائیان بشهر روبرو هستیم، مبلغ متناسبی جهت احیای صنایع دستی و قالی‌بافی در روستا تخصیص نیافته است. برای نمونه در ۶ ماهه اول امسال فقط مبلغ ۶۲۲۰۰۰۰۰۰ ریال وام جهت قالی‌بافی و صنایع دستی در ۱۲ شهر و استان فوق‌الذکر پرداخت شده. این مبلغ در سه ماهه اول امسال برای شهرهای ساری، بوشهر، مشهد، ایلام، شهر کرد، اهواز و استانهای اصفهان، سیستان و بلوچستان و چهارمحال بختیاری فقط ۶۳۰۰۰۰۰۰ ریال بوده است. این مبلغ در برابر پول سرسام‌آوری که زیر عنوان "وام نظارت نشده" به کشاورزان داده‌اند و بصرف امور جاری (غیر تولیدی) رسیده، بسیار ناچیز است.

نکته بعدی در این رابطه، مقایسه وام پرداختی در استانهای مختلف کشور است. دو جدول زیر تبعیض بین استانها و شهرهای مختلف کشور را در رابطه با وام کشاورزی نشان میدهد. جالب توجه است که کمترین وام به استانها و شهرستانهای پرداخت شده که ظلم طاغوتی بیش از هر جای دیگر گریبان آنها گرفته است. معلوم نیست به چه علت در دوران جمهوری اسلامی هم، چون زمان طاغوت این چنین مورد بی‌مهری کارگذاران دولت موقت واقع شدند.

(جدول شماره ۲) مقایسه وام سرانه در شش ماه اول سال جاری

شهرستان	شهرستان	شهرستان	شهرستان	استان	استان
همدان	یزد	بوشهر	اصفهان	آذربایجان غربی	سیستان و بلوچستان
۷۹۲	۲۶۸۱	۶۷۳	۲۲۹۲	۱۱۲۹	۲۱۸
برهال	رام سرانه				

مأخذ: روزنامه جمهوری اسلامی - شماره‌های شش ماه اول سال جاری

(جدول شماره ۳) جدول مقایسه وام پرداختی در شهرها و استانهای مختلف کشور در شش ماه اول سال جاری

منطقه	کل وام پرداختی برهال
بوکان	۷۰۰۰۰۰۰۰
مهاباد	۷۵۰۰۰۰۰۰
نقده	۱۰۸۰۰۰۰۰۰
گناباد	۹۵۱۳۳۰۰۰
فلاورجان	۲۲۸۰۰۰۰۰۰
نجف‌آباد	۱۲۰۰۰۰۰۰۰
چالوس	۱۸۵۰۰۰۰۰۰
ساری	۱۰۳۰۰۰۰۰۰۰
استان اصفهان	۱۶۶۶۰۰۰۰۰
استان سیستان و بلوچستان	۲۲۷۷۰۰۰۰۰
استان آذربایجان غربی	۹۶۰۰۰۰۰۰۰

مأخذ: شماره‌های روزنامه جمهوری اسلامی در شش ماه اول امسال

در جدول فوق نشان میدهند که تقسیم وام کشاورزی بین مناطق مختلف کشور غیرعادلانه بسوده است. وام سرانه استان سیستان و بلوچستان و شهرستان بوشهر، در مقایسه با استانها و شهرستانهای دیگر بسیار کمتر است. در حالیکه دولت موقت میبایست به مناطق عقب مانده کشور، توجه بیشتری میذول دارد.

جدول شماره ۳ نشان میدهد که وام پرداختی به کشاورزان بوکان، مهاباد، نقده و گناباد به‌النسبه کمتر از وام پرداختی به کشاورزان فلاورجان، نجف‌آباد میباشد. در حالیکه میدانیم در چهار شهر اولی در دوران طاغوت ظلم اقتصادی بیش از مناطق دیگر بوده است. وامی که به این چهار شهر تعلق گرفته، کمتر از شهرهای کم‌جمعیتی چون نجف‌آباد و فلاورجان است. مقایسه وام پرداختی در استانهای اصفهان و بلوچستان ما را بهمین نتیجه میرساند سیستان

- قسمت اعظم پولی که بانک تعاون کشاورزی در ماههای اخیر سرازیر روستاها کرده، هرگز در خود روستا سرمایه‌گذاری نشده
- سیاست کشاورزی دولت موقت انقلاب نشان میدهد که کارگذاران وزارت کشاورزی پیرو تئوریهایی از کار افتاده اقتصاد سرمایه‌داری بودند

و بلوچستان در حالیکه پیوسته در زیر ظلم طاغوت دست و پا میزدند فقط ۲۲۷۷۰۰۰۰۰ ریال وام، و اصفهان ۱۶۶۶۰۰۰۰۰ ریال وام میگیرد. این اختلاف به‌چوپه قابل توجهی نیست.

کشف انبار اسلحه و...

در روزنامه اطلاعات پنجشنبه ۱۳ دیماه ۱۳۵۸ در رابطه با کشف انبار بزرگ اسلحه و مهمات در بهران چنین می‌خوانیم: "مقدار زیادی از انواع مختلف اسلحه - مهمات و مواد منفجره از داخل یک انوموبیل و زیرزمین خادای واقع در خیابان گوتکشف شد. اسلحه و مهمات کشف شده شامل ۱۵۰ قضا کلاشینکف - نیراز - ۳ - سگاری - ام یک و مقدار زیادی مواد منفجره و سه جعبه حساب فسنگ ز - ۳ (بروم و وسایل دیگر است..."

بعد از انتشار این خبر، برادران ما پس از تحقیقات و بررسی‌های متعدد متوجه گردیدند که حامل اسلحه‌ها و مواد منفجره پس از بازداشت توسط مقامات مسئول اجرائی و پس از تماسهای زیاد تلفنی که با ساد دو انجام گرفت آزاد شده و روز بعد سلاخیاپنیر توسط مسئولین امور تحویل گرفته میشود. بدون آنکه معلوم گردد که این افراد چه کسانی بودند و با چه گروه و سازمانی ارتباط داشته‌اند؟

اما سواد و قرائن حاکی از آنست که این کشف انبار اسلحه، نمیتواند کشف یک باند مسلح برای خرابکاری و... باشد. بویژه آنکه با فعالیت‌های زیاد و رفتن آمد افراد مسلح دولتی و... به محل بازداشت حاملین اسلحه و آزادی آنها و ضبط سلاحها، موضوع ناتمام و سرپوش گذاشته شد. جالب توجه است که چندی قبل با کشف انبار اسلحه در محیدیه و انتصاب کردن آن بیک سازمان، چه بهره‌برداریهایی که از آن در جهت منافع خود نکردند. در شرایط حساس کنوسی و اقدامات ضدانقلاب و عناصر وابسته به امپریالیسم در جهت ایجاد جنگهای داخلی و درگیری‌های مسلحانه در هر گوشه و کنسار مملکت، چگونه این نوع مسائل بر اهمیت سکوت گذاشته میشوند.

اکنون ما از مقامات مسئول و ارگانهای اجرائی خصوصی شورای انقلاب، دادستانی کل انقلاب اسلامی و سایر مسئولین می‌خواهیم که با پیگیری در مسئله فوق، نقش محسور توده‌ها در ارتباط با کشف انبار اسلحه بازگو کنند تا با آگاهی بآن، جبهه‌های افرادی که احتمالاً در این قضیه دست داشته‌اند، شناخته شده و افشا گردند. ما بشد که از مقاصد شوم و اقدام غیراصولی آنها به‌موقع جلوگیری بعمل آید.

والدهایم

بقیه از صفحه

امام و توده‌ها و دانشجویان مبارز با شناختی که از ماهیت دلالان پلید و رسوای امپریالیستی دادند، آنها را بخود راه نمیدهند، و در حالیکه امام واسطگی را ظلم میستارند، شورای انقلاب و سایر مسئولین (مثل وزیر امور خارجه) ساعت‌ها با والدهایم بمذاکره می‌پردازند و عملاً در خلاف جهت امام و خط امام قدم بر میدارند. کسانی که تا دیروز بازارگان را بسخاطر مذاکره با برژنسکی محکوم میکردند و امروز خود در همان مسیر گام گذاشته و با برژنسکی‌ها در بیش یکی و در نام متفاوت بمذاکره می‌نشینند. چیزی که مسئولین بدان بی‌توجهاند یا بهتر است بگوئیم قدرت درکنی را ندارند، شناخت ماهیت امپریالیسم و مبارزه ضدامپریالیستی است. توجه ندارند که در منطق قرآن تنها در برخورد قهرآمیز است که حق برباطل چیره میشود توجه ندارند که اگر حق برباطل نتازد، ناپودی باطل غیر ممکن است.

حق قادر نیست با مذاکره و مصالحه برباطل چیره شود. چنین سیاستی و چنین سببیتی عدم شناخت و اعتقاد به سنن‌الاهی و منطق انقلابی قرآن است. اعتقاد به اینکه "ما با آمریکا سرچنگ نداریم چون در جنگ نه ما نفع می‌بریم نه آمریکا و هر دو مان ضربه می‌خوریم، بیانگر همان دیدسازنکارانه است بنابراین اگر اعتقادی بمبارزه ندارید خود مردم مبارز را بیازی نگیرید و با این قبیل مذاکرات و مصالحات، مبارزه اصیل ضدامپریالیستی را لوث نسازید.

مردم ما همانطوریکه پیشیناز خود را در هر مبارزه‌ای اعلام کرده‌اند نباید اجازه دهند با انحراف در مسیر، مبارزه‌شان ببطرف سازش و مصالحه سوق داده شود.

و این بر امام است که با توجه به عملکردهای شورای انقلاب و با توجه به‌حاکمیت جو غیر انقلابی و غیر مکتبی برآن، مسئولیت سنگین مبارزه را به‌عناصر و نیروهای متعهد و مردمی بسپارد، و اجازه ندهند که خط مبارزه ضدامپریالیستی منحرف و سنگ تسلیم و سازشکاری برامت مبارز ما تحمیل شود.

کارنامه اقتصادی دولت موقت

بهره از صفحه ۷

پایرجانی ناسامانیهای دیگر در سطح روستا:

دولت موقت، اقدام موفقی در جهت زدودن آثار دیگر طاغوت در سطح روستا انجام نداد. زمینهای چندین هزار هکتار و مرغوب در دست زمینداران بزرگ باقی ماند و روستائیان مجبور شدند در دوران انقلاب هم بر سر روی زمینهای نامرغوب کشت کنند. دولت موقت، هر بار نایبانه ملی شدن اراضی بزرگ کشت و صنعت بر سر زمینها میافتاد. آنرا تکذیب میکرد و مرتب اعلام میکرد که هیچگونه طرحی در این زمینه به ضروری انقلاب نداده است. فروش و مسائل مکانیزه کشاورزی نظیر تراکتور باقسط و با بهره ۶٪ توسعه مسائلهای کشاورزی است از موارد دیگریست که نشان میدهد همان شرایط دوران طاغوت در دوران انقلاب بکار گرفته شده است. بعضی جنبه‌های دیگر سیاست کشاورزی دولت موقت که ظاهر امری بهتر میسر شد و در باطن دنباله همان روشهای اصلاح طلبانه و محافظه کارانه رژیم سابق است، بدین قرار میباشد: توزیع سهم رایگان بین روستائیان و با سبانی کشتزارها بطور رایگان و یا عرضه رایگان تراکتور و لوازم یدکی آن و همچنین تعیین خرید برنج، سیبزمینی، پیاز، پرتقال و... از طرف وزارت کشاورزی و عمران روستایی، از مواردیست که به تقلید از سیاست کشاورزی دولت سرمایه‌داری شاه صورت گرفته است تجربه ثابت کرده که این نوع سیاستهای رفهرمیستی، هرگز نمیتواند درد کهنه کشاورز ایرانی را درمان کند، گمان اینکه در گذشته نیز نتوانست.

آخرین نکته اینکه، در ماههای گذشته، اگر مواردی از عملکردهای انقلابی در بخش کشاورزی دیده شده، از ناحیه بعضی ارگانهای انقلابی غیردولتی بوده و معمولاً این عملکردها مورد تأیید دولت واقع نشده است. تقسیم زمین در بعضی مناطق کشور (شمال و...) توسط سپاه پاسداران و یا حتی خود مردم، در این زمره است.

در این نوشتار گوشه‌هایی از سیاست اقتصادی دولت موقت روشن شد و دیدیم که لبرالسم سازشکار چه بلاهای اقتصادی و سیاسی بر سر خلق ایران آورده است. در قسمتهای آینده، جنبه‌های دیگر سیاست اقتصادی دولت موقت نظیر سیاست مسکن و... مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مبارزات مردم قم سرآغاز سرنگونی رژیم پهلوی

سواک به امام خمینی حمله کرده و ایستارها را عامل ارتجاع سپاه مخالف "اصلاحات ارضی" و "آزادی زبان" قلمداد کردند. بر اساس همین تهمت‌ها و افتراهای بی‌شمارانه و سراپا دروغ، اعتراضات وسیعی در ۱۸ و ۱۹ دیماه در قم آغاز شد که این حرکت تمامی علماء و طلاب و مردم کوچه و بازار را در بر گرفت.

در ۱۹ دیماه این تظاهرات باوج خود می‌رسد و پلیس مزدور مردم بی‌دفاع را به رگبار مسلسل می‌بندد که بیش از دهها تن شهید و تعداد بسیاری زخمی برجای می‌ماند. در پی اعتراض بااین زخمی، توده‌های مردم دوباره بحرکت درآمده و با صدور اعلامیه و سخنرانی‌ها بشدت رژیم را مورد حمله قرار میدهند.

در اعتراض به کشتار قم، یک سلسله اعتراضات و تظاهرات توده‌های شهرهای شیراز، مشهد، اصفهان و... را در بر می‌گیرد که با درگیری مزدوران این تظاهرات بخون کشیده میشود. هم چنین امام خمینی با صدور اعلامیه‌های کوبنده بشدت رژیم را مورد حمله قرار داده و به افشای هرچه بیشتر ماهیت منحط آن می‌پردازند. اهمیت و ابعاد کشتار قم باندازه‌ای بود که اکثر روزنامه‌های خارجی بدرد اخبار آن می‌پردازند. موج نویسن مبارزات مردم قم، رشد سیاسی خلق را فراهم آورد و ماهیت دمدنش رژیم را بر همگان آشکار ساخت.

این حرکت در پی گذشت چهل روز تبلور خود را در مشت‌های کوبنده تبریز نشان داد، آنجا که توده‌های محروم و قهرمان با روی درویشی با مزدوران جلا، پرده از سیاست‌های سلطه‌گرانه و فاسد شاه خائن برداشتند.

با قیام و موج تظاهرات خلق ایران و ابعاد وسیعی که داشت، رژیم شاه جلا بدیش از پیش در تنگنا قرار گرفت و توده‌های محروم و ستمدیده به رهبری امام خمینی و باوحدت کلمه سرانجام رژیم ۲۵۰ ساله شاهنشاهی را در ۲۲ بهمن ۵۷ به گورستان تاریخ سپردند.

بنام خدا و بریدون ان یطفوا نورالله با فوهم و یابی الله الا ان ینم نوره و لوکره الکفرون میخواستند نور خدا را با دهن‌های (کتیف) خود خاموش کنند و خدا چنین نخواهد جز آنچه نور خود را به انجام رساند اگرچه کافران را خوش نیاید (توبه ۲۲)

خشم محافل امپریالیستی از مقاومت و آشتی‌ناپذیری ملت ایران و رهبر بزرگ انقلاب امام خمینی در این مبارزه مقدس با ایجاد نوظه‌های نارس نظیر آنچه در قم اتفاق افتاد ظاهر میگردد. امپریالیست‌ها بخوبی میدانند که تنها مانع بزرگ در راه پیشبرد مقاصدشان و نیرومندترین عامل در برابر توطئه، سازش‌ناپذیری صف متحد خلق و سازش-ناپذیری و قاطعیت رهبر انقلاب امام خمینی است. اما از این روایین بار توطئه را از قسم علیه مردم و علیه رهبر بزرگ امت آغاز کردند. و این درست زمانی رخ میدهد که والد هاسم واسطه و دلال رسوای امپریالیست‌ها ایران را ترک میکند و در حالیکه هرجا رفت از جانب ملت، جواب - نه - شنید. هرجا رفت آتش خشم ملت را علیه امپریالیست‌ها شعله‌ور

جهان پهلوان تختی قهرمانی از مردم و برای مردم



آشنا شد که او را از پرورشگاههای جنوب ایران آورده بودند.

میدانست که قهرمان کیست و پهلوانی چیست، او در مقابل مردم همچون درخت سبزی بود که هرچه بارش بیشتر بود سر بریزتر و خمیده‌تر بود. او گوهری بود از عصاره شرف انسانی در اعصار گذشته و نمونه‌ای تابناک برای سلسله‌های آینده ورزشکاران وطن ما.

وقتی تیم کشتی ایران از مسابقات جهانی باز میگشت، انگار که فقط تختی است که بوطن می‌آید. چنان عشق باو در دل مردم ریشه کرده بود که هیچ حادثه‌ای قادر نبود خدشای بان وارد کرده و تا رهایی از آن ریشه‌های عمیق را بیلرزاند، دوست داشتن تختی بصورت

یازدهم دیماه ۱۳۴۶ روزیست که "جهان پهلوان" تختی بدست درخیمان آریامهری از میان ما رفت. تختی قهرمانی بود از مردم و برای مردم. او ستمی از مقاومت و استقامت بود، مقاومت در مقابل رژیم کودتا و استقامت برای خواسته‌های مردم. او هیچگاه در مسابقات خواسته‌های آریامهری سر خم نکرد، لکن همواره در مقابل توده‌های مردم متواضع و سربریز بود. او فرزند فقر و بینوائی نبود. در خانواده‌ای فقیر در محله خانی‌آباد تهران بدنیا آمد، و از همان کودکی طعم فقر و گرسنگی را چشید، او تنها فقر و بینوائی را در خود نمیدید، او هزاران کودک زنده‌یوش و گرسنه‌ای را میدید که وضع بهتری از او نداشتند.

رشد ناکافی دوران کودکی باو اجاره نمداد تا بدلیل ریشهای فقر خود و خانواده کوچکش و خانواده ملیونیا ایرانی دیگر بیاندیشد. بعلت فقر و نداری نتوانست حتی تحصیلات اول دبیرستان را بپایان برساند، او مادر و برادر و خواهری نیز داشت، او بخاطر روزی خانواده مجبور به کار شد. مردم محله خانی‌آباد تهران و همه محله‌هایی که او را بیاد دارند، هیچگاه فراموش نمیکند که تختی تا همان ۲۰ سالگی، هر روز ظهر با یک نان سنگک و یک سیر پنیر لای روزنامه پیچیده‌ای بخانه میرفت تا با مادرش نهار بخورد. تختی در دوران مبارزات ملی شدن صنعت نفت به جبهه ملی تحت رهبری دکتر محمد مصدق پیوست - زیرا او دیگر به بسیاری از ریشه‌های فقر مردم آشنا شده بوده و خصم را شناخته بود. در سال ۱۳۳۲ کودتای سازمان سیا دکتر محمد مصدق رهبر آن دوران از مبارزات ملی شدن نفت را سرنگون کرد، تختی در همان سال در مسابقات "هلستکی" بروی سکوی قهرمانی جای گرفت، او که همواره بمصدق بزرگ عشق میوریزد و آرمانهای ملی و میهنش را آرمان خود و ملت رنج‌دهانش میدانست، نمیتوانست زبانش را که همزمان با او صدق بزرگ سخن گوید. این بود که با تصویری از مصدق در دست بوسط میدان رفت و با نشان دادن تصویر مصدق مردم او را بعنوان رهبر واقعی مردم ایران در آن دوران معرفی کرد. این عمل تختی در زخم رزح از پیش خشمگین ساخت لاکن او را چه باک. تختی حتی در دوران قهرمانی باوجود احتیاجش هرآنچه را که دربار شاه میخواست باو بدهد تا غیر مستقیم دهانش را ببندد نپذیرفت. شاه به بسیاری از قهرمانان کشتی همچون حبیبی جیره‌خوار منزل اهدائی، اتومبیل و پول و... داده بود. لاکن تختی در عین نیاز قبول نمی‌کرد. او ک کارمند ساده راه‌آهن بود و زندگی بسیار ساده‌ای داشت. تختی روزی با یک جوان کشتی‌گیر

بوند که تختی را قهرمان خود میدانند. خاندان پهلوی که از نفوذ تختی در دل مردم رنج میبرد، میکوشید تا میان او و دوستانش فاصله اندازند، با این منظور ورود او در سالن برگزاری مسابقات کشتی ممنوع شده بود. یکی از روزها که شاهپور غلامرضا برای مشاهده مسابقات کشتی قهرمانی کشور به استادبوم محمدرضا شاه سابق رفته بود، از ورود تختی بان سالن جلوگیری کردند. تختی ناچاراً از آن در پشت سالن وارد شد، مردم با دیدن تختی به هیله کردن، سوت زدن، دست زدن و صلوات کشیدن پرداختند، ابراز احساسات مردم برای پهلوان واقعبشان بی‌نظیر بود، و هرچه این احساسات شدت مییافت خشم شاهپور غلامرضا نیز شدت مییافت. زیرا خود او که چند دقیقه قبلش وارد سالن شده بود با بی‌اعتنائی مردم روبرو بود و تنها با ندانن دورواچگی‌های اطرافش بودند که میکوشیدند جمعیت را با خود همصدا کنند و نسبت به شاهپور ابراز احساسات نمایند ولی بی‌اعتنائی مردم توده‌نی خوبی برای هم‌شان بود. آن دختری را که در پشت استادیوم را برای تختی باز کرده بود از کار برکنار شد، و رئیس قدراسیون نیز توبیخ شد. تختی درخواست کرده بود که سمت سرمی کشتی استخدام شود لاکن از او نمی‌پذیرفتند. زیرا میکوشیدند که او را از سایر ورزشکاران جدا نگه دارند. ولی با این کار موفق نشده بودند زیرا با جلوگیری از تماس تخصصی با ورزشکاران، قلب همه دوستارانش و خصوصاً ورزشکاران را بردار آورده و اعتراض همه را برانگیخته و خشم آنها را نسبت به دشمنان تختی افزون میکردند. این بود که تنها چاره برداشتن این مشکل برای رژیم شاه نابودی تختی بود، آنهم بصورتی که مردم مرگ او را یکی خودکشی تصور کنند. و این بود که گفتند تختی این ستم استقامت و پایمردی، این زندگی کنبه برای زندگی مردم بنا نهادگام خود را کشت!

کدامین دل کند باور؟
کدامین ضربه اش افکند؟
کدامین ناروا پشت؟

غروب یازدهم دی‌ماه ۱۳۴۶ در روزنامه‌های عصر تهران نوشتند که تختی در هتل "اتلانتیک" با دارو خودکشی کرده است. ساختمان پشت هتل یکی از ساختمانهای سازمان امنیت بود و مردم خوب آن محل را میدانستند.

با شنیدن این خبر نفس در سینه‌های مردم خشکید، بیش از یک میلیون از مردم مراسم روز هفت و چهلین روز شهادت تختی را به مراسم مبارزه و اعتراض به حکومت کتیف و جانی محمدرضا شاه تبدیل کردند. سوا ترونها همچون سایر روزهای مبارزاتی خلق بر تارک تاریخ جنبش خلق ما میدرخشد. درود آتشین به روان پاکش. درود. درود. درود.

دستگیری چندتن از هواداران جنبش مسلمان مبارز

بعد از آنکه روز چهارشنبه به هواداران جنبش مسلمانان مبارز اطلاع داده میشود که گروهی از کارگران شیراز با نام کانون اسلامی شورا عازم تهران هستند تا به پشتیبانی از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، روز جمعه ۱۴ دیماه دست به تظاهرات زده و سپس با یک راهپیمایی قاطعانه‌ای را قرائت کنند. این گروه از کارگران روز پنجشنبه در قم به حضور امام خمینی می‌رسند.

با کسب این خبر هواداران جنبش مسلمانان مبارز، مسجد خویگاه امیرآباد را برای خوابیدن ۹۰۰ کارگر مهیا می‌کنند. ساعت ۵ بعد از ظهر پنجشنبه خبر می‌رسد که مسجد دانشگاه فاقد نفت است. دوستان از برادران پس از تهیه بنزین به طرف دانشگاه حرکت می‌کنند. اما با بسته بودن دره‌های دانشگاه روبرو میشوند که پس از عبور از دره‌ها خود را به مسجد می‌رسانند که در این هنگام چندتن از پاسداران رسیده و برادران ما را متوقف کرده و پس از یکسری سؤال و جوابها و بدون اینکه از موضع برادران ما باخبر شوند، آنها را به اتهام خرابکاری تحویل کمیته مستقر در خیابان انقلاب - جنب پمپ بنزین دیانا میدهند. از همان اول در کمیته برادران بعنوان یک متهم برخورد کرده و با نسبت دادن آنان به یکی از

سازمانهای مسلح رفتار تحقیر و توهین آمیزی را با آنها پیش می‌گیرند. سپس برادران را به سپاه پاسداران (پادگان ولی عصر) تحویل میدهند و بدون مجوز متبصر ساختمان جنبش مسلمانان را محاصره می‌کنند. هنگامیکه در ساعت ۱۱ شب چندتن از برادران قصد ورود به ساختمان را داشتند، دستگیر کرده و بعد از کلی مباحثه در حالیکه برادران را تحقیر میکردند و ایشان را خرابکار می‌نامیدند، بدون تعریف ماجرا وقتی برادران خواستار برگ ماموریت میشوند، آنها را لایق دیدن برک نمی‌بینند و وقتی با مقاومت برادران مواجه میشوند، برک ماموریت را نشان میدهند.

در برک ماموریت پس از ذکر تاریخ بیک مامور کمیته همراه پنج نفر ماموریت داده شده بود تا به دستگیری افراد مشکوک اقدام نماید. آن برگ نه فقط چیزی را ثابت نمیکرد، بلکه اصولاً فاقد چنین صلاحیتی برای صدور همچون برگی بود. به‌هرحال برادران را سه کمیته ۹ منتقل و بدون دادن هیچ توضیحی ریکت‌ترین اتهامات را نسبت داده و رفتار توهین آمیزی را پیش می‌گیرند و سپس این گروه از برادران را نیز به سپاه پاسداران تحویل میدهند. برادران از دستگیری بی‌مورد و غیر مستولانه "مستولین" تصمیم به اعتصاب غذا می‌گیرند.

اما خوشبختانه پس از آمدن یکی از مسئولین به بازداشتگاه و شنیدن مسئله و بررسی آن و با توجه به شناختی که از آنها داشت، دستور فوری آزادی برادران را میدهد و از طرف سپاه عذرخواهی میکند. لکن برادران انزجار خود را از عمل غیرمستولانه کمیته ابراز داشتند و تأیید برادران سپاه را در این مورد می‌گیرند.

جنبش مسلمانان مبارز برای مقابله جدی و همه‌جانبه دعوت مدرسین حوزه علمیه قم را برای تعطیل امروز شنبه تأیید و در راهپیمایی که بدعوت برادران دانشجویان مستقر در لانه جاسوسی اعلام شده است شرکت میکند.

درود بر امام خمینی رهبر سازش‌ناپذیر ملت قهرمان ایران
مرگ بر امپریالیست‌های جهان‌خوار سرگردگی آمریکا و مزدوران پلید داخلی آنها

جنبش مسلمانان مبارز ۵۸/۱۰/۱۵

هفته نامه امت شماره ۳۹
چهارشنبه ۱۹ دی ۱۳۵۸
سال اول
زیر نظر:
شورای نویسندگان امت
خپان بهار فصلی نهم خپان نامهر
۸۲۹۹۸۴ - ۸۲۹۸۳۱
بازگشت هفت روزگی قم

پوزش
صفحه‌بندی شماره ۳۸ امت، هنگام چاپ جایجا شده بود، که بدین وسیله از خوانندگان عزیز پوزش می‌طلبیم.